


## روح القدس چیست؟

 ... به زحمت برای یک جلسه. قرار است این جلسه اندکی با جلساتی که معمولاً در اینجا برگزار می‌کنیم متفاوت باشد. در اغلب موارد هرگاه در اینجا جمع می‌شویم، گردهمایی بابت... برای شفای بیمارها و سایر نیازهای جسمانی است. تأکید بر روی این مسئله است. ولی امشب این جلسه‌ی بیداری را برای شفای جان و روح انسان آغاز کرده‌ایم.

با این حال، اگر خداوند بخواهد صبح روز یکشنبه در جریان مدرسه‌ی یکشنبه یعنی بامداد یکشنبه، دعا برای بیماران را خواهیم داشت و اگر خداوند بخواهد همان صبح یکشنبه بنا بر روال معمول صف شفا تشکیل خواهیم داد. در این چند شب هفته بسی اضطراب داشتیم تا از امور ابدی مربوط به روح بگوییم.

۲ باری، می‌دانیم وقتی یک بدن جسمانی شفا می‌یابد باعث خوشحالی ما می‌شود چون می‌دانیم که این امر به وضوح نشان می‌دهد که خدای ما بیماران را شفا می‌دهد. ولی اگر آن شخص بیمار به قدر کفایت عمرش طولانی شود، شاید دوباره بیمار گردد و چه بسا به همان بیماری‌ای که از آن شفا یافت مبتلا شود ولی این اتفاق شفا را نمی‌ستاند. دکتر داروی مخصوص سینه‌پهلو می‌دهد ولی شاید دو روز پس از آن که سلامتی افراد را اعلام کرد، بر اثر سینه‌پهلو فوت کنند. به این معنی که [همان بیماری] دوباره عارض شده است. ولی وقتی روح شفا یافت آنگاه در خود حیات جاودانه دارد.

۳ و باور دارم که آنقدر به موعد آمدن خداوند عیسی نزدیک هستیم که بر همه‌ی ماست تا حتی‌الامکان هر جان را وارد ملکوت کنیم و ملکوت را به میان مردم ببریم بلکه روح‌هایمان شفا یابند. باور دارم که بدن عیسی بیمارترین بدنی است که سراغ دارم به عبارتی بدن روحانی مسیح بر روی زمین بسیار بیمار است.

۴ اکنون برنامه‌ی ما این نیست که در طول شب شما را مدتی طولانی نگه داریم چون برای شب اول فضای کافی برای نشانیدن دوستان عزیزمان نداریم. ما درگیر پروژه‌ی ساخت یک کلیسای جدید هستیم، یک خیمه‌ی بزرگ درست همین‌جا، روی این قطعه زمین‌ها یا هر جا که خداوند هدایت‌مان کند ولی تا جایی که می‌دانیم همین‌جاست.

۵ حال اعلام کردیم که از چهارشنبه تا یکشنبه جلسه خواهیم داشت. و سپس یکشنبه تقریباً مقارن با تعطیلات کریسمس می‌شود ولی... هر زمان خداوند به ما بگوید که باید کار را متوقف کنیم، همان موقع چنین خواهد شد. اصلاً نمی‌دانیم چه نتایجی حاصل خواهد شد. ولی بر این باوریم که عزیزانی که اینجا در خیمه هستند و کلیساهای خواهران (یکی از آنها هالینس تبرنکل واقع در اولتیسبا به شبانی برادر گراهام اسنلینگ است و کلیسای نیوآلبانی که شبانش برادر جونی جکسون است و همچنین جایی آن بیرون واقع در بزرگراه، که برادر رادل آن را شبانی می‌کند) ما و... آنها کلیساهای خواهر این خیمه محسوب می‌شوند، ما برآنیم تا... مردم و جماعت

خویش را وارد مشارکتی مطلوب‌تر با مسیح کنیم. هدف ما این است. بنابراین انتخابم برای روزهای آینده تعلیم دادن و مطالعه است...

۶ امشب قصد دارم در مورد موضوع روح‌القدس چیست؟ سخن بگویم. و فردا شب نیز می‌خواهم درباره‌ی اینکه: از چه رو داده شده است؟ موعظه کنم. و جمعه شب هم ... و خدمت آنها که ضبط می‌کنند عرض کنم که نمی‌خواهم جمعه شب این را ضبط کنید: چگونه روح‌القدس را بیایم؟ و چگونه بدانم که چه زمان آن را دارم؟ و در ادامه می‌گذاریم ببینیم برای شنبه و یکشنبه هدایت خداوند چه خواهد بود. صبح یکشنبه یک جلسه‌ی شفا برگزار می‌شود و یکشنبه شب هم یک جلسه‌ی بشارتی دیگر داریم.

۷ و اینک دلمان می‌خواهد همگان بدانند که... می‌دانم که دستگاه‌های ضبط در اتاق پشتی روشن هستند و می‌خواهیم این را بگوییم. چرا که در این گونه جلسات بشارتی افرادی از فرقه‌ها و کلیساهای مختلف حضور دارند که هر یک در دایره‌ی باورهای خود تعلیم یافته‌اند. اشکالی هم ندارد. هیچ‌گاه نخواستم مرتکب خطایی مانند تفرقه‌افکنی در میان برادران شوم. و در جلسات بیرون فقط درباره‌ی آن حقایق عظیم مربوط به انجیل و نگاشته‌های مقدس موعظه می‌کنم، درباره‌ی همان امور که برادران اسپانسر جلسه‌ی من هم به آن ایمان دارند. ولی دوست دارم اینجا و در این خیمه از آنچه به آن ایمان داریم بگوییم. بنابراین اگر نمی‌توانید آن را درک کنید، بسیار خوشحال می‌شوم نامه‌ای کوتاه یا یادداشتی از طرف شما دریافت کنم تا به این وسیله از من بپرسید که چرا به این شکل به آن مسئله ایمان داریم. اینکه سعی کنم مسئله را به بهترین شکلی که می‌توانم برایتان توضیح دهم خشنودم می‌کند.

۸ می‌دانید، هر کلیسایی... اگر آموزه ن دارید، کلیسا نیستید. باید چیزی داشته باشید که معرف شما باشد و به آن پایبند باشید [یعنی] اصولی که به آن متمسک می‌شوید. و فارغ از این امر که یک شخص در کدام فرقه و دسته‌بندی قرار می‌گیرد، چنانچه آن شخص از روح خدا مولود شده باشد، برادر یا خواهرم است، فارغ از اینکه... چه بسا در سایر موارد تفاوتی در حد دوری شرق از غرب، با هم داشته باشیم ولی همچنان برادریم. و من هم جز اینکه به این برادر کمک کنم تا بهتر و با تقرب بیشتر به سوی مسیح گام بردارد هیچ کار دیگری نخواهم کرد. و معتقدم که هر مسیحی واقعی و راستین هم نسبت به من به همین شکل عمل خواهد کرد.

۹ باری، از این خیمه خواستم... حال، برای اینکه صرفاً یک جلسه‌ی طولانی داشته باشیم به این مقوله ورود نمی‌کنیم. می‌خواهم به این مسئله بپردازم و از شما می‌خواهم، از شما خواستم که هر پلی که پشت سرتان مانده است را بسوزانید و هر گناه را اصلاح نمایید تا بتوانیم با تمام آنچه در دل‌ها و جان‌هایمان است وارد این [مبحث] شویم. باید تنها با یک هدف به اینجا بیاییم یعنی آماده‌سازی جان‌هایمان برای بازگشت خداوند و نه برای هیچ هدف دیگر. همان‌طور که در سخنانم گفتم احتمال دارد گاهی چیزی بگوییم و تعلیمی بدهم که بر خلاف چیزی باشد که یک نفر دیگر یا یک عده دیگر به

آن ایمان دارند. عنایت دارید که من برای مجادله نیامده‌ام، من-من می‌آیم... ما برای آماده‌سازی بازگشت خداوند در اینجا حضور داریم. و فکر می‌کنم که این گروه کوچک...

۱۰ همراه من تعدادی از برادرانی که می‌شناسم آمده‌اند و در اینجا حضور دارند، از جاهای مختلف می‌آیند و از حضورشان خشنودیم. بدون شک در میان حضار اینجا اشخاص دیگری هستند که از خارج شهر می‌آیند، از بیرون و اطراف شهرهای کوچک هم‌جوار ما. از حضور شما در میان خود خرسندیم و بسی قدرتان شما هستیم بابت اینکه آنقدر نسبت به ما محبت دارید که به اینجا می‌آیید تا شنونده‌ی این مطالب باشید. خدا... برادر و خواهرم، باشد که گرانبهاترین گنجینه‌های پروردگار در قلب شما جاری شود، این دعای من است.

۱۱ و در رابطه با این خیمه‌ی کوچک، دیدن اینکه به باور من شماری از بهترین مردمان زمین به این خیمه می‌آیند... حال، هرگز نگفتم که «همه‌ی» آن مردمان که بهترینند، گفتم شماری از بهترین مردمان روی زمین به این خیمه می‌آیند. ولی روز به روز در جریان بازگشت و رفت و آمد از این جلسه به آن جلسه، نیازی بزرگ در خصوص این خیمه مشاهده می‌کنم. نیازی بزرگ وجود دارد که به پُری یا وقف شدن یا زندگی عمیق‌تر و تقرب بیشتر در گام برداشتن با خدا مربوط می‌شود. به عزیزان قول داده‌ام که این پیغام را برای آنها بیاورم. خوشحالم از اینکه در همان حال که تعلیم می‌دهیم و در صدد شکافتن بحث هستیم، می‌توانیم شما را همراه خودمان وارد مشارکت حول کلام خدا کنیم.

۱۲ حال، سه شب نخست به این ترتیب نخواهد بود که در مورد موضوعی خاص موعظه کنیم بلکه یک پیغام را از کلام خدا تعلیم خواهیم داد.

و اینک از آنجا که از هیچ کس تقاضا نخواهم کرد که کاری انجام دهد که خودم انجامش نمی‌دهم... و این هفته برایم هفته‌ای بسیار دشوار بود. بسیار به بیهوشی نزدیک شدم، بنابر آنچه از موقعیت می‌توانم تصویر کنم کار به جایی رسید که در حال خودم نبودم. ولی میل و اراده خویش و نیز هر آنچه می‌دانستم را تسلیم خداوند کردم.

۱۳ یک شب کمی پس از نیمه‌شب یا در همان حول و حوش، من و خانم پس از اینکه نشستیم و دعا کردیم و با خداوند سخن گفتیم در این سوی و آن سوی آن زیرپایی کوچک... در اتاق نشیمن با دو کتاب مقدس باز، خود را از نو وقف خدا کردیم. با این هدف که به صورت کامل خود را در خدمت او قرار دهیم و این چنین تمامی خواسته‌های خویش را تسلیم می‌کنیم و همه چیز یعنی هرگونه تفکر منفی را می‌رانیم تا خداوند عیسی را خدمت کنیم.

و اطمینان دارم که شما هم همین شیوه را در پیش گرفته‌اید و همین کار را کرده‌اید. به این ترتیب امشب به زمین‌هایی مقدس آمده‌ایم، به میان مردمانی که دعا کردند، روزه گرفتند، خطایای خود را جبران کرده و آماده شدند تا از خدا چیزی دریافت کنند. باور دارم کسی که گرسنه می‌آید، گرسنه نخواهد رفت چون خدا او را به نان حیات تغذیه خواهد کرد.

۱۴ باری، پیش از آنکه مطلبی از کتاب قدسی‌اش قرائت کنیم، ابتدا و برای لحظاتی سرهای خود را جهت دعا خم کنیم.

۱۵ خداوندا، امشب قبل‌تر از این هم دعایی در این مکان بلند شد... سرودهای صهیون توسط فرزندان سر داده شد. قلب‌هایشان به سوی اوج خیز برداشت. امروز به اینجا آمده‌ایم تا خود را وقف تو سازیم و از اعماق روح و جان خویش تو را بپرستیم. خداوندا ما این مهم را به یادت می‌آوریم که وقتی بر فراز کوه نشستی و به شاگردانت تعلیم دادی، گفتی: «خوشبحال گرسنگان و تشنگان عدالت زیرا ایشان سیر خواهند شد.» خداوندا این وعده‌ی توست. امشب با قلب‌هایی باز و پذیرا می‌آییم. گرسنه و تشنه می‌آییم و می‌دانیم که به وعده‌ات وفا خواهی کرد.

۱۶ در همان حال که می‌کوشیم تا این صفحات قدسی کتاب مقدس را باز کنیم تا از محتوای آن مطلبی را قرائت کنیم باشد که روح‌القدس فحوای آن را به تک تک دل‌ها برساند. باشد که این بذر الهی جایی فرود آید که حامل ایمانی عمیق و غنی است به گونه‌ای که تک‌تک وعده‌هایی که کلام داده را به بار بنشاند. خداوندا ما را بشنو، ما را طاهر ساز، ما را بیازما. خداوندا اگر چیزی ناپاک، یک گناه اقرار نشده و یا هر چیز که نادرست و ناحق است در وجودمان یافت شد، همین حالا آن را آشکار نما. ای خداوند، مستقیم در مسیری که باید، گام خواهیم نهاد و کاری که لازم است را خواهیم کرد زیرا آگاهیم که زیر سایه‌های بازگشت خداوند عیسی روزگار می‌گذرانیم. ای خدای قدوس، امشب زیر سایه‌ی عدالت تو آمده‌ایم و استدعا داریم تا در زندگی‌هایمان یک تقدیم، وقف و پُری تازه از روح‌القدس را تجربه کنیم.

۱۷ بیایید با دیدن روند فروکش کردن آتش بیداری، هیزم‌هایی از جنس کلام بیندازیم چه بسا آتشی جدید را افروخته و شعله‌ور سازد و دل‌هایمان سرشار از شور و اشتیاق گردد. خداوندا تمنا اینکه ما را به وسیله‌ی کلام گرانقدر و خون اعظم و فیضت تقدیس فرمایی. و هر شکرگزاری و ستایش از آن تو است. هر نوع تعصب و غرض را از قلب‌هایمان بردار. خداوندا، تظہیرمان کن. دل‌های پاک، دست‌های پاک و افکار پاک به ما عطا فرما تا بتوانیم هر شب شادمان و سرخوش و در پُری روح وارد مکان قدوست شویم. این را در نام عیسی و در تکریمش می‌طلبیم. آمین

۱۸ مایلم اکنون کلام را قرائت کنم. در حالی که... از شما می‌خواهم کتاب مقدس‌ها، قلم‌ها و کاغذهایتان را برای مرور نگاشته‌ها آماده کنید. اگر تمایل به چنین کاری دارید بسیار خوب است. حال، همان‌طور که سراغ باب هفتم کتاب اعمال می‌روید، به پاسخ این پرسش پرداخته می‌شود یا در واقع شروع می‌کنیم به پاسخ دادن به این پرسش که روح‌القدس چیست؟

۱۹ هیچ چیز نیست که بتواند شیطان را شکست دهد یعنی روی زمین هرگز چیزی وجود ندارد که بتواند همانند کلام خدا شیطان را شکست دهد. عیسی در نبرد عظیم خویش آن را به کار برد و گفت: «مکتوب است...»

۲۰ و این بامداد [با] چند روز پیش به برنامه‌ای گوش می‌کردم که سعی داشت توضیح دهد که خلقت از برخورد توده‌های خاکستر و مقداری فسفات و مواد شیمیایی روی زمین پدید آمده است و اینکه گرمای خورشید، بذر و یاخته حیات را تولید کرد و حیات را پدید آورد. چقدر مضحک! این در حالی است که گرمای خورشید هر نوع ذره و یاخته حیات را خواهد کشت. یک یاخته را بیرون و در معرض گرما و حرارت خورشید بگذارید، بلافاصله تلف خواهد شد. چنین چیزی وجود ندارد و این جریان چیزی نیست جز اینکه شیطان می‌کوشد تا این موضوع را به من القا کند. و صبح امروز، پس از آنکه ربکای کوچکم را به مدرسه رساندم، در مسیر برگشت دوباره رادیو را روشن کردم و سپس فکر کردم که باز هم کارم به گوش کردن به همان نوع مطالب خواهد کشید بنابراین دوباره خاموش کردم.

و همان‌طور که خیابان را بالا می‌رفتم، شیطان به من گفت، گفت: «هیچ می‌دانی که این شخص که او را عیسی می‌خوانید در زمان خودش انسانی بود درست مثل بیلی گراهام یا اورال رابرتس. او فقط یک انسان بود که عده‌ای آمدند و توانستند گروه اندکی را در اطرافش جمع کنند و بگویند که او شخص بزرگی است و کمی بعد ارجمندتر شد و سپس جایگاه خدا را برای آنها پیدا کرد. و از وقتی که مُرد آن افراد در سراسر جهان پراکنده شدند. کل مطلب همین است.»

۲۱ فکر کردم: «عجب دروغگویی هستی!» و سپس همان‌طور که از خیابان گراهام عبور می‌کردم گفتم: «شیطان، تویی که داری با ضمیرم حرف می‌زنی، دوست دارم چند سؤال از تو بپرسم. آن شخص که به گفته انبیای عبرانی باید می‌آمد که بود؟ آن مسیح مسح شده که بود؟ چه چیز بر آن مردان قرار گرفته بود که او را از قبل رؤیت نموده و هزاران سال پیش از آمدنش به اینجا، زندگی‌اش را تعریف کردند؟ که بود که این واقعه را مو اخبار کرد؟ و وقتی آمد گفتند: «از خطاکاران محسوب شد» و چنین شد. «به سبب تقصیرهای ما مجروح شد» و چنین شد. «قبرش را با دولتمندها تعیین کردند ولی در روز سوم برخواهد خاست» و همین‌طور هم شد. و بعد وعده‌ی روح‌القدس را داد و من آن را یافته‌ام. بنابراین همان بهتر که راحت را بکشی و از آن دور شوی زیرا در کلام چنین مکتوب است و تکاتک کلمات آن حق است.» سپس گذاشت و رفت. فقط کلام را به او نشان دهید همین کارساز است. او نمی‌تواند در برابر آن کلام مقاومت کند زیرا الهام شده است.

بیایم امشب باب ۷ کتاب اعمال را قرائت کنیم.

آنگاه رئیس کهنه گفت: آیا این امور چنین است؟

او گفت: ای برادران و پدران، گوش دهید. خدای ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد وقتی در جزیره بود قبل از توقفش در حران.

و بدو گفت: از وطن خود و خویشانت بیرون شده، به زمینی که تو را نشان دهم برو.

پس از دیار کلدانیان روانه شده، در حرّان درنگ نمود و بعد از وفات پدرش، او را کوچ داد به سوی این زمین که شما الان در آن ساکن می‌باشید. و او را در این زمین میراثی حتی به قدر جای پای خود نداد لیکن وعده داد که آن را به وی و بعد از او به ذریتش به ملکیت دهد، هنگامی که هنوز اولادی نداشت.

... و خدا گفت که: ذریت تو در ملک بیگانه غریب خواهند بود و مدت چهارصد سال ایشان را به بندگی کشیده معذب خواهند داشت.

و خدا گفت: من بر آن طایفه‌ای که ایشان را مملوک سازند داوری خواهم نمود و بعد از آن بیرون آمده، مرا در این مکان عبادت خواهند نمود.

و عهد ختنه را به وی داد که بنابراین چون اسحاق را آورد، در روز هشتم او را مختون ساخت و اسحاق یعقوب را و یعقوب دوازده پطریارخ را.

۲۲ مایلیم از همین قسمت به موضوع نزدیک شویم که به نظرم موضوع برجسته‌ی امشب است، درباره‌ی... روح‌القدس چیست؟ آن چیست؟ حال دلیل اینکه به شکل سری [و پشت سر هم] به این موضوع می‌پردازم این است که نمی‌توانید روح‌القدس را بیابید بدون آنکه بدانید چیست. و اگر بدانید چیست نمی‌توانید آن را دریافت کنید مگر ایمان داشته باشید که به شما عطا می‌شود و برای شماست. و بعد هم نمی‌توانید بفهمید که آن را دارید یا نه مگر اینکه ثمراتش را بشناسید. بنابراین اگر از چستی و کیستی‌اش آگاه باشید و بدانید که وقتی وارد می‌شود چه نوع کرداری را با خود می‌آورد آنگاه وقتی آن را یافتید خواهید فهمید که چه چیزی را یافته‌اید. توجه دارید؟ همین فیصله‌بخش خواهد بود.

۲۳ درست مثل موقعی که داشتم امروز با برادرمان جفریز صحبت می‌کردم و گفت: «دلم می‌خواهد در جلسه‌ی امشب حضور داشته باشم ولی فردا شب خواهم آمد.» او خبر نداشت که جلسه برگزار می‌شود زیرا اعلام نکرده بودیم؛ درست همین‌جا. برخی... برادر لئو و دیگران به برخی از دوستانمان که خارج از شهر بودند، نوشته و موضوع را گفته بودند. خوب به این خاطر که جا نداشتیم.

۲۴ پس گفتم: «برادر جفریز، اگر مرا بفرستید تا یکی از میادین نفتی‌ات را راه بیندازم و کوچکترین سررشته‌ای از این کار نداشته باشم، احتمالاً آن را روی هوا خواهم فرستاد. شاید کلید اشتباه را بزنم یا موتور اشتباه را روشن کنم. باید قبل از دست زدن به این کار نحوه انجامش را بدانم و بلد باشم.»

و راه و رسم دریافت روح‌القدس نیز به همین شکل است. باید بدانید برای چه چیز می‌آیید و چگونه آن را دریافت کنید و اینکه چیست.

حال، نکته‌ی نخست اینکه روح‌القدس وعده داده شده است.

۲۵ می‌توانیم ده هفته وقت صرف کنیم و هرگز... از حاشیه‌ی این موضوع که روح‌القدس چیست، فراتر نرویم. ولی در وهله‌ی نخست دلم می‌خواهد درست تا اندازه‌ای

که بشود هر شب کلیاتی از مطلب را ارائه داد، به موضوع پرداخته و نزدیک شوم و در ادامه در شب بعد ببینم که آیا سؤالاتی می‌ماند یا نه.

۲۶ چند نفر در اینجا روح‌القدس را دریافت نکرده و تمعید روح‌القدس نیافته‌اند؟ عزیزانی که می‌دانید آن را تجربه نکرده‌اید، دست‌های خود را بالا بگیرید. فقط به این دست‌ها نگاه کنید.

اکنون قصد دارم در مورد اینکه روح‌القدس یک نشان است سخن بگویم زیرا که یک نشان و علامت است. به این مهم واقفیم که تمامی وعده‌هایی که به ما داده شده است... ابراهیم پدر وعده بود زیرا خدا وعده‌ی خود را به ابراهیم و به ذریتی که بعد از او خواهد آمد. وعده به «ابراهیم و ذریت او» داده شد. و این آیت و نشان مربوط به قوم عهد است.

۲۷ باری، میان آنکه فقط یک مسیحی است و آنکه یک مسیحی پُر شده از روح‌القدس است تفاوتی بزرگ و اساسی وجود دارد. اینک این مطلب را از نگاهشاهی مقدس خواهیم گرفت و جایگاه آن را دقیقاً در نگاهشاهی مقدس مشخص خواهیم کرد. در وهله‌ی نخست یک فرد مسیحی را دارید که در مقام اعتراف، مسیحی است. ولی اگر این فرد مسیحی از روح‌القدس پُر نشده باشد تنها در مرحله‌ی تبدیل شدن به یک مسیحی است. ملاحظه می‌کنید؟ او اعتراف کرده که به آن امر الهی ایمان دارد، سعی دارد خود را با آن هماهنگ کند ولی خدا هنوز این روح یعنی روح‌القدس را به او نداده است. او هنوز موفق نشده که [در رابطه‌اش] با خدا به آن هدف [و مراتب مدّ نظر خدا] نائل شود، به گونه‌ای که خدا آن را تصدیق کرده باشد.

۲۸ خدا پس از اینکه ابراهیم را خواند، با او عهدی استوار ساخت و این امر نمونه و تمثیلی از خوانده شدن ایماندار در روزگار کنونی است.

خدا ابراهیم را خواند و ابراهیم از دیار خود کوچ کرد و به دیار غریب رفت تا در میان مردمانی غریبه ساکن شود و این نمونه‌ای از موقعی است که پروردگار شخصی را به دست‌برد داشتن از رذائل خویش و توبه از گناهانش فرامی‌خواند. به این ترتیب او [ابراهیم] از جماعتی که بخشی از آن بود روی می‌گرداند تا در میان جماعتی جدید و در میان مردم جدید روزگار بگذراند.

و در ادامه وقتی خدا دید که ابراهیم به وعده‌ای که به وی داده وفادار است [وعده‌ای] که بر اساس آن صاحب فرزند می‌شد و از طریق آن فرزند تمامی زمین برکت می‌گرفت، آنگاه خدا ایمان وی را با دادن یک نشان به او تأیید کرد و این نشان ختنه بود. پس مختون شدن تمثیلی از روح‌القدس است.

۲۹ درست در آیات بعدی همین باب که پیش‌تر قرائت کردیم، اگر مایلید آن را یادداشت کنید... و استیفان در آیه‌ی ۵۱ گفت:

ای گردنکشان... که به دل و گوش نامختونید، شما پیوسته با روح‌القدس مقاومت می‌کنید چنانکه پدران شما همچنین شما.

۳۰ مختون شدن نمود و تمثیلی از روح القدس است. و خدا پس از آن که ابراهیم وعده‌اش را پذیرفت و رهسپار دیار غریب شد نشان ختنه را به وی داد. ملاحظه می‌کنید؟ آن یک نشان بود.

همه‌ی فرزندان او و ذریت پس از او می‌بایست این نشان و علامت را روی بدن خود داشته باشند چون یک وجه تمایز بود. این نشان ختنه به کار تمایزبخشی و جداسازی آنها از اقوام دیگر می‌آمد.

۳۱ و امروزه روز هم خدا همین [روش] را به کار می‌گیرد. نشان مختون شدن قلب یعنی روح القدس، همان عاملی است که کلیسای خدا را بدل به کلیسای جدا و متمایز از همه‌ی مرام‌ها، ایمان‌ها و فرقه‌های دیگر می‌سازد. آنها در انواع فرقه‌ها حضور دارند ولی با این حال یک قوم جدا و متمایز هستند. بگذارید با یک شخص همکلام شوم و ظرف دو دقیقه می‌توانم به شما بگویم که آیا روح القدس را یافته یا نه، شما هم همین‌طور. این امر آنها را جدا می‌کند. یک اثر و علامت ممیزه است. یک نشان است. روح القدس یک نشان و آیت است. و...

در عهد عتیق هر کودکی که از ختنه شدن، که پیش‌انگاره‌ای از روح القدس بود، سر باز می‌زد از میان قوم منقطع می‌شد. اگر از ختنه شدن امتناع می‌کرد نمی‌توانست با سایر اعضای جماعت مشارکت داشته باشد.

اینک همین امر را برای امروز الگو قرار دهید. کسی که از دریافت تعمیم روح القدس ابا می‌کند نمی‌تواند در میان آنان که از روح القدس برخوردارند، مشارکت کند. اصلاً نمی‌توانید. باید از طبیعتی باشید که مانند...

۳۲ مادرم همواره می‌گفت: «پرنده‌هایی با هم جمع می‌شوند که پرهایشان از یک جنس است.» [کند همجنس با همجنس پرواز] خوب این یک ضرب‌المثل قدیمی ولی درست است. کلاغ‌ها و کبوترها را در حال اختلاط و مشارکت با یکدیگر نمی‌بینید. غذایشان متفاوت است. عاداتشان متفاوت است. علایق و خواسته‌هایشان متفاوت است.

و همین راه و رسم در رابطه با دنیا و در رابطه با یک فرد مسیحی برقرار است یعنی وقتی توسط روح القدس ختنه می‌شوید معنی‌اش «کندن از گوشت و جسم است.»

۳۳ ختنه تنها بر روی شخص مذکر صورت می‌گیرد. ولی اگر یک خانم با یک آقا ازدواج کرده بود آن خانم بخشی از آن آقا محسوب می‌شد و همراه او مختون شده بود. به یاد دارید که در تیموتائوس آمده است: «اما به زاییدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوا ثابت بماند.»

۳۴ سخن از مختون شدن است. می‌دانید وقتی... سارا در چادر پشت سرش به پیغام فرشته خندید. آنجا که [فرشته] گفت: «ابراهیم، همسرت سارا کجاست؟» او را نمی‌شناخت، او غریبه بود از کجا می‌دانست که ابراهیم همسر دارد؟

۳۵ همان‌طور که عیسی گفت: «همچنانکه در ایام لوط شد بر همین منوال خواهد بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود.» یادتان باشد که این آیات در سدوم و عموره یعنی در دنیا و در میان مذهب‌گرایان به ظهور نرسید بلکه برای برگزیدگان و دعوت‌شدگان



بود. و ابراهیم از دعوت شدگان به خروج بود. و واژه‌ی کلیسا یعنی «دعوت شده، جدا شده» مثل ابراهیم که خویش را جدا ساخته و مختون شد.

و هنگامی که سارا به پیغام فرشته خندید، خدا می‌توانست بی‌درنگ او را بکشد ولی او نمی‌توانست بدون رنجاندن ابراهیم سارا را برنجاند چرا که یک تن بودند. سارا بخشی از او بود. «بعد از این دو نیستید بلکه یک تن هستید.»

۳۶ به این ترتیب، ختنه... روح القدس امروز قلب را مختون می‌کند. و این یک نشان و آیت است، نشانی که عطا شده است.

روزی یک نفر گفت... فقط دارم این موضوع را تکرار می‌کنم و جنبه‌ی شوخی و طنز ندارد. چون عین واقعیت است ولی به لطیفه می‌ماند. همان‌طور که بارها گفتیم اینجا جای شوخی و جوک نیست. ولی یک آلمانی در ساحل غربی بود، به تازگی ما هم آنجا بودیم. او روح القدس را دریافت کرد. بعد به خیابان رفت و هر چند قدمی که راه می‌رفت دست‌هایش را برمی‌افراشت و به زبان‌ها سخن می‌گفت. می‌دوید، جست و خیز می‌کرد و فریاد می‌زد. در محل کارش به همین شکل سر و صدا می‌کرد و کارفرمایش به او گفت: «کجا بودی؟» خوب. آنجایی که بودی را دوست دارم. گفت: «حتماً آن پایین و بین آن دار و دسته‌ی مهره‌صفت بی‌عقل بودی.» [واژه‌ی nuts که در متن آمده هم کنایه از آدم بی‌عقل هست و هم معادل مهره‌های مورد استفاده در اتصالات. در این سطور هر دوی این معانی به تناوب به کار رفته است- گروه تألیف.]

گفت: «پس فکر می‌کنی آنها بی‌عقل هستند؟»

گفت: «البته که هستند.»

۳۷ گفت: «خداوند را بابت مهره‌صفت‌های بی‌عقل تسبیح بخوانید!» گفت: «می‌دانی چه؟ نقش مهره‌ها خیلی مهم است.» گفت: «به عنوان مثال، یک اتومبیل را در نظر بگیر اگر تمام مهره‌هایش را از آن جدا کرده، بیرون بیاوری چیزی جز یک مشت «آهن‌پاره» برایت نمی‌ماند.» و این حرف تقریباً درست است.

۳۸ وقتی روح القدس بر شما نازل می‌شود بسی متفاوت می‌شود تا جایی که ذهنیت و تفکر این دنیا دوستدار شما نیست و آنها [حاملان آن] علیه شما هستند و به هیچ وجه نمی‌خواهند با شما سر و کار داشته باشند. شما زاده‌ی دنیایی دیگر هستید. شما درست به همان اندازه بیگانه و غریبید، حتی ده برابر بیشتر از وقتی که بر فرض به دورافتاده‌ترین گوشه‌های جنگل‌های آفریقا بروید، غریب هستید. وقتی روح القدس می‌آید متفاوت می‌شود و این یک آیت و نشان است. علامتی در میان مردم است.

۳۹ حال، می‌گویید: «برادر برانهام پس این علامت ختنه به ابراهیم عطا شده بود؟» این سخن درست است. «و به نسل و ذریتش؟» بله.

۴۰ بسیار خوب، حال غلاطیان باب ۳ آیه ۲۹ را از نظر خواهیم گذراند تا ببینیم چطور این موضوع شامل حال ما می‌شود. غلاطیان ۲۹:۳، ببینیم چطور عهد ختنه می‌تواند بیگانگان غیریهودی را شامل شود یعنی اگر از تبار امت‌ها باشید، از آنجا که بر حسب تولد چنین تباری داریم.

حال، ابتدا می‌خواهم آیه‌ی ۱۶ را قرائت کنم.

اما وعده‌ها به ابراهیم و نسلش داده شد. (ابراهیم و نسل و ذریتش!) و نمی‌گوید «به نسل‌ها»...

اینکه هر که... بگوید: «آری، من هم از نسل‌های ابراهیمی هستم». نه. به یک «نسل» یعنی نسل و ذریت ابراهیم!

... نمی‌گوید به «نسل‌ها» که گویا درباره‌ی بسیاری باشد بلکه درباره‌ی یکی و به «نسل تو» که مسیح است.

۴۱ مسیح از نسل ابراهیم بود. به این سخن ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین»]- گروه تألیف. [بسیار خوب، حال سراغ آیات ۲۸ و ۲۹ برویم.

هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن زیرا همه‌ی شما در مسیح عیسی یک می‌باشید.

اما اگر شما از آن مسیح می‌باشید هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده وارث هستید.

چگونه از «نسل ابراهیم» محسوب شویم؟ با بودن در مسیح، این چنین از نسل و ذریت ابراهیم محسوب می‌شویم. و نسل ابراهیم چه بود؟ چه بسا بتوانیم این مبحث را در رومیان ۴ و جاهای دیگر پی بگیریم.

ابراهیم هیچ‌گاه وعده را پس از مختون شدن دریافت نکرد. برای نشان دادن اینکه ختنه صرفاً یک نمونه و طرح‌واره بود، وعده را قبل از مختون شدن یافت. و این یک نمونه و نشان بود برای تصدیق و شناسایی ایمانی که پیش از مختون شدن داشت.

۴۲ حال وقتی در مسیح هستیم بدل به نسل ابراهیم می‌شویم و با مسیح در زمره‌ی وارثان به شمار می‌رویم بنابراین مهم نیست که هستیم، یهودی هستیم یا غیر یهودی.

سخن از «نسل و ذریت ابراهیم» است؛ کسی از نسل ابراهیم است که ایمانی چون ابراهیم دارد و به سخن و کلام خدا اعتماد می‌کند و روی آن حساب می‌کند. فارغ از اینکه چقدر مضحک به نظر برسد یا اینکه چقدر این رفتار تان نامعمول باشد و تا چه اندازه شما را غیر عادی ساخته باشد، شما فارغ از هر چیز روی کلام خدا حساب می‌کنید.

۴۳ ابراهیم در هفتاد و پنج سالگی و سارا در شصت و پنج سالگی به کلام خدا اعتماد و روی آن حساب کردند و هر چه بر خلاف آن بود را چنان نادیده گرفتند که انگار وجود خارجی نداشت. فکر می‌کنید نظر اطبای آن روزگار چه بود؟ گمان می‌کنید مردم با دیدن پیرمردی هفتاد و پنج ساله که می‌گردد و خدا را حمد می‌گوید و به قولی قرار است از همسر شصت و پنج ساله‌اش که تقریباً بیست و پنج سال از زمان باروری‌اش گذشته، «صاحب یک نوزاد» شود چه فکر می‌کردند؟ ولی همان‌طور که مشاهده می‌کنید ایمان ابراهیمی باعث می‌شود رفتار تان خنده‌دار باشد.

۴۴ و وقتی به روح‌القدس مختون می‌شوید، همان تأثیر را می‌پذیرید. باعث می‌شود کارهایی کنید که فکر نمی‌کردید انجام دهید. باعث می‌شود وعده‌ی خدا را دریافت کرده و به خدا ایمان داشته باشید.

۴۵ حال، ضمن اینکه این یک وعده و نشان است، یک مَهر هم هست. اکنون اگر مایلید همراه من مروری بر رومیان داشته باشید، ابتدا مایلیم به اتفاق سراغ افسسیان ۴:۳۰ برویم. بیاید یک دقیقه مطلبی را از این قسمت قرائت کنیم. این گفتار از افسسیان ۴:۳۰ است.

و اما از افراد بسیاری شنیده‌اید که چیزهای متفاوت را «مَهر» می‌نامند. «اگر به کلیسا بروی، مَهر کلیسا را داری.» و شماری از مردم می‌گویند: «نگه‌داشتن یک روز مشخص یعنی یک سبّت، همان مَهر پروردگار است.» برخی از آنها می‌گویند: «اگر به عضویت یک فرقه‌ی مشخص در آییم به جهت ملکوت خدا مَهر شده‌ایم.»

۴۶ حال، کتاب مقدس گفت: «هر سخن انسان دروغ باشد و هر سخن خدا حقیقت.» اینک در افسسیان ۴:۳۰ چنین می‌خوانیم:

و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مَهر شده‌اید محزون مسازید.

۴۷ اینک مجبورم در تبیین و شرح و بسط این مسئله اندکی سفت و سخت باشم. حال شما برادران شریعت‌گرا قدری آرامش خود را حفظ کنید. توجه دارید؟ آیا به ماندگاری این مَهر و اینکه تا کی می‌ماند توجه کرده‌اید؟ نه تا بیداری بعدی، تا دفعه‌ی بعد که مشکلی بروز کند. «تا روز رستگاری و رهایی شما» این مدت زمان مَهر شدن شماست. «تا روز رستگاری شما» آنگاه که برای بالا رفتن و بودن با خدا رهایی می‌یابید، روح‌القدس تا آن زمان شما را مَهر می‌کند. نه از یک بیداری تا بیداری بعدی بلکه از ابتدا تا آباد به وسیله‌ی روح‌القدس مَهر شده‌اید.

روح‌القدس همین است، مَهر خداست و او شما را... شما از نگاه وی فیض یافته‌اید و او شما را دوست دارد و باورتان کرده است و مَهر خود را بر شما قرار داده است. مَهر چیست؟ هر کس... یک مَهر نمایانگر و به معنی یک «کار تمام شده» است. آمین. خدا شما را نجات داده، تقدیستان کرده، تطهیرتان ساخته، شما را مورد لطف قرار داده و مَهر و مختوم کرده است. کارش را به اتمام رسانده است. شما تا روز رهایی خود محصول و فرآورده‌ای متعلق به وی هستید. چیزی که مَهر شده، یک «امر به اتمام رسیده» است.

روح‌القدس چیست؟ یک علامت و آیت است. ما در پیغامی دیگر به نشانه‌ای که پولس از آن سخن می‌گوید دقیق خواهیم شد. در باب تکلم به زبان‌ها که نشانه‌ای برای ایمانداران... یا بی‌ایمانان تلقی می‌شود.

۴۸ ولی در اینجا کافی است به این مسئله توجه کنید که روح‌القدس یک نشانه است. منظورم این است... که روح‌القدس یک مَهر است. نشانی است که خدا به فرزندان برگزیده‌اش عطا می‌کند. رد کردن آن به منزله‌ی منقطع شدن از قوم است و دریافت

آن در حکم اتمام کار با دنیا و تمام امور دنیاست به معنی تبدیل شدن به محصولی که خدا مُهر تأیید خویش را بر آن زده است.

۴۹ زمانی همراه هری و اتربری همین‌جا در راه آهن کار می‌کردم و برای بار زدن واگن می‌رفتیم. برادرم داک که آن پشت ایستاده، کمک می‌کند تا واگن‌ها را بار بزنند. وقتی یک واگن را بار می‌زنند، آن واگن توسط بازرس تفتیش و واکاوی می‌شود و اگر جایی چیزی باز یا شُل که احتمال افتادن و شکستن آن باشد پیدا کند یا هر چیزی که احتمال تخریبش برود؛ آن موقع از مُهر کردن واگن خودداری می‌کند تا وقتی آن واگن چنان پُر شود و چنان اِبَرِ داخلِ آن مرتب و با نظم چیده شده باشد که تکان‌های سفر به کالای داخل لطمه نزنند.

۵۰ مسئله این است که ما خیلی مُهر و مختوم نمی‌شویم [زیرا] در رابطه با مسائل بس سهل‌گیر و شُل هستیم. وقتی آن بازرس الهی دست به کاوش می‌زند و برای بازرسی زندگی شما وارد عمل می‌شود تا ببیند که آیا در رابطه با مسائل اندکی سهل‌انگار هستید یا نه، اینکه آیا نسبت به دعا و پرستش در زندگی خود بی‌خیال هستید یا نه، اینکه آیا در رابطه با خوی تند خود مختصری دچار سهل‌انگاری هستید یا نه، اینکه آیا در رابطه با زبانتان و آنچه درباره‌ی دیگران می‌گویید اندکی ساده‌گیر هستید یا نه، اگر سهل‌انگاری یافت شود] او هرگز واگن را مُهر نخواهد کرد. چند عادت زشت، چند چیز قبیح، فکر و ذهنی که آلوده به عناصر رکیک و مستهجن است نتیجه‌اش می‌شود اینکه او نمی‌تواند واگن را مُهر کند.

ولی وقتی بازرس الهی همه چیز را سر جای خود یافته باشد آنگاه آن را مُهر و مختوم می‌کند. و جرأت می‌خواهد که کسی برود و قبل از رسیدن واگن به مقصدی که برایش مُهر شده، آن مُهر را باز نکند! همین است «بر مسیحان من دست مگذارید و انبیای مرا ضرر مرسانید. زیرا به شما می‌گویم هر آنکه باعث لغزش شود، او را بهتر می‌بود که سنگ آسیابی بر گردنش آویخته و در دریا افکنده شود تا اینکه حتی سعی کند به یکی از این کوچک‌ترین مُهرشده‌ها آسیب رسانده یا آنها را بلغزاند.» متوجه هستید یعنی چه؟

۵۱ روح‌القدس همین است. او ضمانت شماس است. او حفاظ و محافظ شماس است. او شاهد شماس است. او مُهر شماس است. او نشان و آیت شماس است، نشانگر این امر است که: «من به آسمان وصل شده‌ام. به سخنان ابلیس اهمیت نمی‌دهم! من به آسمان وصل هستم. چرا؟ چون مرا مُهر کرده است. او آن را به من عطا کرده است! او مرا برای ورود به قلمرو پادشاهی‌اش مُهر کرده است و من به آسمان متصل هستم! بگذار بادهای بوزند، بگذار شیطان هر کار دلش می‌خواهد بکند. خدا مرا تا روز رهایی‌ام مُهر و مختوم کرده است.» آمین! چستی روح‌القدس همین است. بلی، باید مشتاق او باشید. بدون او نمی‌توانم پیش بروم و ادامه دهم. در این رابطه حرف برای گفتن بسیار است ولی مطمئنم که می‌دانید از چه سخن می‌گویم.

۵۲ حال، اجازه دهید یک دقیقه یوحنا ۱۴ را از نظر بگذرانیم. من شیفته‌ی کلام هستم! [کلام] خود حقیقت است.

۵۳ باری، سخن از روح خدا یعنی روح القدس است؛ روح القدس چیست؟ روح القدس روح مسیح در شماست. حال، پیش از خواندن دلم می‌خواهد در اینجا مطلب مختصری بیان کنم. روح القدس چیست؟ یک مَهر است. روح القدس چیست؟ یک عهد است. روح القدس چیست؟ یک نشانه و آیت است. با این حساب روح القدس چیست؟ یک... روح عیسی مسیح در شماست. ملاحظه می‌کنید؟ عیسی گفت: «بعد اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی‌بیند و اما شما مرا می‌بینید زیرا من تا انقضای عالم با شما و بلکه در شما خواهم بود.» روح خدا در کلیسایش!

۵۴ به چه منظور؟ خدا به چه منظور این کار را کرد؟ این مختصر اشاره‌ای به موضوع [جلسه‌ی] فرداست. ولی خدا به چه منظور این کار را کرد؟ به چه منظور، برای چه کاری روح القدس... برای چه نازل شد؟ برای چه کاری بر شما قرار می‌گیرد، برای چه کار و چه منظور بر من نازل می‌شود؟ برای ادامه دادن اعمال و کارهای خدا.

۵۵ «همواره کارهایی که پدرم می‌پسندد را انجام می‌دهم. نیامدم تا به اراده‌ی خود عمل کنم بلکه به اراده‌ی پدری که مرا فرستاده است. و پدری که مرا فرستاد با من است و همان‌طور که پدرم مرا فرستاد من هم شما را می‌فرستم.» چه باشکوه! [برادر برانهم دو بار دست می‌زند- گروه تألیف]. پدر او را فرستاد و خود در او می‌بود. پدری که عیسی را فرستاد خود در او آمد و از طریق او عمل کرد.

همان عیسی که شما را می‌فرستد با شما راهی می‌شود و در وجود شماست. و اگر آن روح سکونت‌گزیده در عیسی مسیح، سبب شد تا وی به آن صورت رفتار و عمل کند، می‌توانید از چگونگی عمل او وقتی وارد شما شد، ذهنیت و تصویری کلی داشته باشید زیرا آن حیات الهی نمی‌تواند تغییر کند. به این بدن و آن بدن خواهد رفت ولی ذات او دچار تغییر نمی‌شود چون خداست.

۵۶ حال در یوحنا ۱۴... بیاییم قسمتی از آن یعنی از آیه‌ی ۱۰ قرائت کنیم.

آیا باور نمی‌کنی... که من در پدر هستم و پدر در من است؟ کارها... سخن‌هایی که من به شما می‌گویم از خود نمی‌گویم لکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می‌کند. (حال به این مسئله فکر کنید.)

مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است والا مرا به سبب آن اعمال تصدیق کنید.

آمین، آمین به شما می‌گویم هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد... و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد زیرا که من نزد پدر می‌روم.

نمی‌بینید؟ توجه کردید چگونه در آنجا این مسئله را بیان کرد؟ حال به اینکه این مهم‌چطور بروز می‌کند نگاه کنید. از کمی جلوتر خواهم خواند. تا آیه‌ی ۲۰ را قرائت خواهیم کرد. «و هر آنچه بطلبید در...» ببینم، داشتیم... بله، بلی. صحیح.

و هر چیزی را که به اسم من سؤال کنید به جا خواهم آورد تا پدر در پسر جلال یابد.

اگر چیزی به اسم من طلب کنید من آن را به جا خواهم آورد.

اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید.

و من از پدر سؤال می‌کنم (حال دقت کنید) و تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند.

یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود.

۵۷ با این حساب آن روح کیست؟ روح‌القدس چیست؟ مسیح ساکن در شما. تسلی‌دهنده، روح‌القدس همین است. «تسلی‌دهنده که بیاید همان اعمالی را به جا خواهد آورد که وقتی در من بود به جا می‌آورد. از پدر استدعا خواهم کرد و او این تسلی‌دهنده را به شما خواهد بخشید. شما تسلی‌دهنده را می‌شناسید. جهان او را نمی‌شناسد و هرگز نخواهد شناخت. ولی شما او را می‌شناسید زیرا اینک در شما سکونت گزیده است» عیسی می‌گوید: «ولی او در شما خواهد بود.» خودش است، تسلی‌دهنده همین است «در شما خواهد بود.»

شما را یتیم نمی‌گذارم، نزد شما می‌آیم.

«نمی‌گذارم...» حال، مسیح همان تسلی‌دهنده است. روح‌القدس همین است، مسیح است.

بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی‌بیند اما شما مرا می‌بینید و از این جهت که زنده‌ام، شما هم... خواهید زیست.

۵۸ بلی، می‌توانیم همین‌طور ادامه دهیم ولی برای این است که آگاه شوید. او چیست؟ یک مَهر است. او یک نشان است. او تسلی‌دهنده است. به تمام آن مواردی که هویت او را تشکیل می‌دهد توجه دارید؟ نسل و ذریت ابراهیم وارث آن است.

۵۹ حال جا دارد همچنین ببینیم که... تسلی‌دهنده غیر از این چیست. یوحنا ۷:۱۶ را از نظر می‌گذرانیم، ببینیم آیا او شفیع [او مدافع] هم هست یا نه. [واژه‌ی advocate که در متن آمده دربرگیرنده‌ی معانی شفیع، حامی و مدافع است - گروه تألیف.] می‌دانید که یک شفیع چیست، شفاعت می‌کند. ما یک شفاعت‌کننده‌ی اعظم داریم. ما این را می‌دانیم. رساله‌ی اول یوحنا آیه‌ی ۱۶... یک دقیقه صبر کنید، عذر می‌خواهم. در یوحنا ۷:۱۶ است، پوزش می‌خواهم. جداً عذر می‌خواهم که این را گفتم. من این را اشتباهی خواندم و روی این ... ۷:۱۶ به چشمم خورد.

و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا اگر بروم تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم.

و چون او آید جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود.

اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورند.

و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید.

و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است.

۶۰ چه باشکوه! حال، تعبیر شفیع [مدافع] را در رساله‌ی اول یوحنا ۱۲:۲ می‌توان یافت. حال، بیایید برای دقیقه‌ای آن فراز را قرائت کنیم یعنی رساله‌ی اول یوحنا ۱۲:۲. از شما پوزش می‌خواهم، اول یوحنا... ۱ و ۲ است. من اینها را یادداشت کرده‌ام، اول یوحنا ۱:۲ تا ۲.

ای فرزندان من، این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید و اگر کسی گناهی کند، شفییعی داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح عادل. شفیع کیست؟ عیسی مسیح عادل.

و اوست کفاره به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بلکه به جهت تمام جهان نیز.

۶۱ روح القدس چیست؟ یک شفیع و مدافع است. کار یک... یک شفیع چیست؟ او چه می‌کند؟ شفاعت می‌کند. او راحم و دارای رحمت است. او، او جای شما می‌ایستد. او کارهایی می‌کند که شما نمی‌توانید. او کفاره به جهت گناهان شماست. او عدالت شماست. او شفای شماست. او حیات شماست. او قیامت شماست. او همه‌ی آن چیزی است که خدا برای شما دارد. او یک شفیع و مدافع است.

۶۲ چگونه می‌توانیم وارد جزئیات این بحث شویم و آن را بشکافیم [یعنی] در شرح اینکه او به چه سان به خاطر جهل و ناآگاهی ما شفاعت می‌کند. گاه پیش می‌آید که وقتی... روح القدس را داریم، در ناآگاهی و در جریان حرکت نامتعادلی که ممکن است منجر به سقوط شود، وارد ماجرای شویم. روح القدس آنجاست تا برایمان شفاعت کند. او شفیع و مدافع ماست. او می‌ایستد... او وکیل ماست. او در آنجا می‌ایستد و [در دفاع از ما] به ادای توضیحات می‌پردازد. ما در مقام دفاع از خود بر نمی‌آییم چرا که روح القدسی که در ماست در مقام دفاع از ما عمل می‌کند. روح القدس گاه با واژه‌هایی که برای شما نامفهوم است سخن می‌گوید و برای ما شفاعت می‌کند. روح القدس چنین است.

۶۳ وقتی حین گام برداشتن به گرفتاری برمی‌خورم، همانند یک کودک گام برمی‌دارم، مثل یک کودک گام برمی‌دارید. ما در یک جهان ظلمانی و مملو از دشمن، گناه، تله و چیزهای دیگر گام برمی‌داریم.

می‌گویید: «وای، می‌ترسم. از در پیش گرفتن زندگی مسیحی می‌ترسم. می‌ترسم این کار را بکنم. از اینکه چنین کنم در هراس هستم.»

نترسید. ما یک مدافع داریم. آمین. بلی، او حامی ماست. او در ماست و برای ما شفاعت می‌کند. روح القدس پیوسته و به شکل مستمر در مقام دفاع از ما عمل می‌کند، در تمام اوقات. او مدافع ماست. بله، چقدر بابت این موضوع شکر گزار خدا هستیم!

۶۴ یک مُهر، یک نشان، روح زندگی، خدای آسمان، تسلّی دهنده، حیات الهی، مدافع. او چیست؟ چه پُر جلال! می توانیم ساعت‌ها به همین منوال ادامه دهیم.

۶۵ حال برای لحظاتی بحث را عوض خواهیم کرد. اکنون می خواهیم...

وعده‌ای است که برای ما در روزهای واپسین داده شده است! این مدافع، مُهر، وعده، همه‌ی آن چیزهایی که امشب راجع به او گفتیم، ده‌هزار مرتبه بیشتر از آن، در روز واپسین به ما وعده داده شده است.

در آن روزگار مردم از آن امر بی‌بهره بودند. تنها چیزی که داشتند یک مُهر بر روی بدنشان بود که در حکم علامت و نشانه‌ای بود نمایانگر این امر که به آمدن آن ایمان دارند و زیر سایه‌ی شریعت حرکت می‌کنند. اینکه در جسم مختون شده بودند.

۶۶ امروز دیگر در سایه‌ی شریعت حرکت نمی‌کنیم بلکه به قوّت قیام حرکت می‌کنیم. به قوّت روح حرکت می‌کنیم، اوست مُهر راستین ما، شفیع و مدافع راستین ما، تسلّی‌دهنده‌ی راستین ما و علامت راستین مولود شدن ما از بالا. عجیب و نامعمولند مردمانی که با رفتار خنده‌آورشان در تعامل با خدا به کلام خودش استناد می‌کنند و هر چیز دیگر را نادرست می‌شمارند. کلام خدا حقیقت است. این... خدای من! ماهیّت روح‌القدس همین است.

۶۷ آیا خواهانش هستی؟ مگر دوست نداری او را داشته باشی؟ [جماعت می‌گویند: «آمین»]-گروه تألیف. [بیاید ببینیم که آیا در این رابطه وعده داده شده یا نه.

حال، به اشعیا برگردیم، به کتاب اشعیا. بیاید باب ۲۸ اشعیا را پیدا کنید. حال سراغ اشعیا ۲۸ می‌رویم و نقطه شروعمان از... بیاید آیه‌ی ۸ را مرور کنیم و ببینیم اشعیا هفتصد و دوازده سال پیش از نزول آن چه گفت.

۶۸ مطالب زیادی را می‌توان در این خصوص بازگو کرد و عقب رفت و همین‌طور عقب‌تر رفت ولی از همین نقطه شروع خواهیم کرد تا ببینیم آیا این وعده به کلیسا داده شده یا نه. در چه روز و ایّامی قرار بود بیاید؟ در روزهای واپسین، روزگاری که فساد و گمراهی رواج دارد. حال به خاطر داشته باشید که صورت جمع این واژه به کار رفته، «روزها» یعنی دو روز آخر، به عبارتی دو هزار سال واپسین.

اینک آیه‌ی ۸.

زیرا که همه‌ی سفره‌ها از قی و نجاست پُر گردیده... و جای طاهری نمانده است.

۶۹ . امروز جستجو کنید تا آن [مکان] را بیاید. نگاهی به اطراف بیندازید تا ببینید که آیا در آن روز به سر می‌بریم. «همه‌ی سفره‌ها!» به این ترتیب که مردم به مجلس شام خداوند می‌روند و اولین چیزی که جلب نظر می‌کند حال و هوای مادّی صف است، در همین حد که بروند و یک تکه نان سبک کهنه، یا یک تُردک بردارند و آن را پاره کنند و آیین عشا ربّانی را به جا آورند. این در حالی است که این کار باید به دستان کسی که برخوردار از روح‌القدس است و با نان فطیر انجام شود. مسیح ناپاک و آلوده نیست و این نماد و باز نمودی از اوست.



۷۰ مسئله‌ی دیگر این است که آن را به کسانی می‌دهند که اهل نوشیدن مسکرات، دروغ‌گویی، دزدی، کشیدن و جویدن تنباکو (وای!) هر جور کاری هستند، مادامی که بخشی از کلیسا باشند. دور باد! آنگاه که اینجا در حال خوردن آن هستیم اگر چنین شخصی آن را بخورد، در حال دمیدن و آشامیدن لعنت بر جان خویش است و بدن خداوند را تمییز نمی‌دهد. اگر نوع زندگی‌اش نسبتی با زندگی مورد انتظار ندارد، خود را از آن دور نگه دارد.

و اگر آن را نمی‌خورید نشان‌دهنده‌ی این است که وجدان شما معذب و ناراحت است. عیسی گفت: «آنکه نخورد، او را با من نصیبی نیست.»

۷۱. ولی همه‌ی سفره‌های خداوند پُر از نجاست شده است. مکان طاهری نمانده است. گوش کنید اگر آن مطلب تصویرگر امروز نباشد...

کدام را... به که معرفت را خواهد آموخت و اخبار را... به که خواهد فهمانید؟...

...آنکه معرفت را خواهد فهمید کیست؟... اخبار [آموزه] را به که خواهد فهماند؟... ادر متن انگلیسی کتاب مقدس که در این موعظه مورد استناد قرار می‌گیرد واژه‌ی doctrine آمده که به معنی آموزه هم هست، واژه‌ای که در برگردان فارسی کتاب مقدس «اخبار» ترجمه شده است - گروه تألیف. [

«خوب، پروردگار متبارک باد، من مشایخی هستم. من متدیستم. من پنطیکاستی‌ام. من ناصری‌ام. من زائر تقدسم.» این از نگاه خدا هیچ مفهومی ندارد، یک سفره‌ی دیگر و بس.

...اخبار [آموزه] را به که خواهیم فهماند؟...

۷۲ کدام نوع اخبار و آموزه مدّ نظر است؟ متدیستی، باپتیستی، مشایخی، پنطیکاستی؟ اخبار و آموزه‌ی کتاب مقدس!

...اخبار را به که خواهیم فهماند؟...

۷۳ چگونه می‌فهمید که آن را یافته‌اید؟ جمعه شب به این مبحث خواهیم پرداخت. توجه دارید؟

... آموزه را به که خواهیم فهماند (حال دقت کنید) آنانی را که از شیر بازداشته و از پستان‌ها گرفته شدند.

۷۴ کودکان خردسال می‌گویند: «خوب، من کلیسا می‌روم. مادرم به این کلیسا می‌رود.» برادر عزیز، من مخالفتی با این مسئله ندارم. می‌دانم که این مطالب ضبط می‌شود. بسیار خوب، عضو کلیسای مادرت باش ولی توجه داشته باش که مادرت در یک نور سلوک کرد و تو در یک نور دیگر سلوک می‌کنی.

۷۵ لوتر در یک نور سلوک کرد، ولسلی در نوری دیگر. ولسلی در یک نور سلوک کرد، نهضت پنطیکاست در نوری دیگر. ولی امروز در نقطه‌ای رفیع‌تر و بالاتر از آن حرکت می‌کنیم. و اگر نسلی دیگری بیاید از ما فراتر خواهد رفت.

۷۶ در روزهای نخست وقتی فضا وسیع و بسیار فراخ بود، لوتر عادل‌شمردگی از راه ایمان را تعلیم داد. و این صرفاً محض رساندن مردم از کاتولیسیزم به پروتستانیسم یعنی مشارکت حول کلام بود. عادل‌شمردگی از راه ایمان گستره‌ای فراخ بود. آنها هیچ وقت از آنجا فراتر نرفتند.

۷۷ در این سیر شخصی به نام جان وسلی همراه بیداری دیگری از راه رسید. و این عامل مردم را از جایشان تکان داد و به نقطه‌ای به نام تقدیس منتقل نمود [شرایطی برآمده از] یک زندگی خوب، پاک و مقدس که توسط کلام خدا تقدیس شده و شادی‌بخش قلبتان است. این چیزی بود که بسیاری از آموزه‌های لوتری را زیر و رو و دگرگون کرد.

۷۸ سپس نهضت پنطیکاست با طرح تعمید روح‌القدس وارد شد و به واسطه‌ی دریافت روح‌القدس مجدداً محدوده را تنگ‌تر کرد. درست است.

و هم اکنون محدوده باز تنگ‌تر می‌شود. سخن از عطایا و اتفاقی از جنس احیا و بازسازی است؛ روح خدا در قالب پُری آیات و معجزات وارد کلیسا شده و پنطیکاست را تکان داده و زیر و رو کرده است. این چیست؟ بسیار به بازگشت خداوند عیسی نزدیکیم تا جایی که همان روح که در وی بود در کلیسا عمل می‌کند و عیناً همان اعمالی را به جا می‌آورد که وی هنگام حضورش بر روی زمین به جا آورده بود. چیزی که از زمان رسولان به بعد هیچ‌جا مانند این دوران دیده نشده است.

چرا؟ چنانکه مشاهده می‌کنید این گستره‌ی فراخ، محدود، محدود و محدودتر می‌شود. و این امر چگونه چیزی است؟ درست به دست شما می‌ماند که به سایه می‌رسد. [جلوه‌ی به ظهور کامل نرسیده‌ی] نگاتیو، نگاتیو، نگاتیو. با این حساب این چگونه چیزی است؟ یک بازتاب است. لوتر چه بود؟ بازتاب و انعکاسی از مسیح. و سلی چه بود؟ بازتابی از مسیح.

۷۹ ببینید، چندی است که دوران «بیلی ساندی» تمام شده است. روزی دکتر ویتنی کهنه‌کار درست همین‌جا و پشت این تریبون تعلیم داده بود، کسی که آخرین بازمانده سبک و منش کهن محسوب می‌شد، به گمانم او در سن نود سالگی درگذشت. بیلی ساندی احیاگری برای کلیساهای صوری روزگار خود بود. او اهل ملاحظه‌کاری و مماشات نبود، آنجا می‌ایستاد و به بانگ بلند می‌گفت: «همه‌ی شما متدیست‌ها، [برای توبه و پذیرفتن مسیح] به راهروی خاک از‌های بزئید واعظان و همه! همه‌ی شما باپتیست‌ها، به راهروی خاک از‌های بزئید! شما مشایخی‌ها!» او مماشات نمی‌کرد. او بیلی گراهام آن روزگار بود.

۸۰ دقت کنید. با این حساب، همان موقع که کلیسای صوری داشت بیداری مربوط به خودش را تجربه می‌کرد چه اتفاقی رخ داد؟ جریان انجیل تام هم در حال تجربه یک بیداری بود. همانجاست که برادران بوسوورث همراه اسمیت و یگلزورث، دکتر پرایس، ایمی مک‌فرسون و همه‌ی آن افراد از راه می‌رسند.

ببینید، اسمیت ویگلزورث یک شب از دنیا رفت. صبح روز بعد دکتر پرایس هم درگذشت. در عرض بیست و چهار ساعت، من جایی پای کار بودم.

۸۱ اینک پایان خودم هم نزدیک می‌شود. بنگرید به... خیلی از بیلی گراهام نمی‌شنوید. از اورال رابرتس چیز زیادی نمی‌شنوید. شاهدی که جلاسمت دارد کم‌فروغ‌تر می‌شود. جریان چیست؟ ما در پایان راه هستیم، یک عصر دیگر.

۸۲ بیلی ساندی و آن افراد چگونه وارد شدند؟ آنها درست پس از بیداری بزرگ مودی به صحنه آمدند؟ مودی چه زمان وارد صحنه شد؟ درست پس از بیداری ناکس. ناکس چه زمانی ظهور کرد؟ درست پس از بیداری فینی. فینی پس از کالوین، کالوین پس از... همین‌طور وسلی و وسلی پس از لوتر. این رفت و آمد در گذر اعصار برقرار بوده است. به محض اینکه یک بیداری به انتها می‌رسد، خدا یکی دیگر را برمی‌انگیزاند و روشنایی بیشتر می‌افکند و کار به همین شکل ادامه یافته، پیش می‌رود.

۸۳ اینک در انتهای این زمانه هستیم. هر شخص به ایستگاه تعویضی که در انتهای مسیرش قرار داشت نگاهی انداخت و منتظر رؤیت بازگشت مسیح بود ولی آنها باید منتظر [اوقوع] امور بسیار می‌مانند؛ بازگشت یهودی‌ها، بشقاب پرنده‌ها در آسمان و همه‌ی اموری که امروز شاهدش هستیم. ولی در انتهای راه هستیم. اینک در این نقطه هستیم. آنها می‌دانستند که قوت الهی باید نصیب کلیسا شود، قوتی که در کلیسا عمل خواهد کرد و همان اعمال مسیح را به جا خواهد آورد زیرا همان‌طور که سایه ژرف و ژرف‌تر می‌شود، بازتاب و انعکاس بیشتری پیدا می‌کند.

۸۴ یک سایه را در نظر بگیرید. هرچه از سایه دورتر باشی به همان نسبت کیفیت انعکاس آن را کمتر خواهی یافت. کمی بعد سایه نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود تا برسد به آنجا که درخت و سایه یک هستند.

۸۵ حال روح خدا تحت خدمت لوتر عادل‌شمردگی را پیش برد و ذیل آن عمل کرد؛ در زمان خدمت وسلی تقدیس را پیش برد؛ در زمان پنطیکاست تعمیم روح‌القدس را و اینک در روز واپسین عیناً همان اعمال را به جا می‌آورد که وقتی در مسیح بود به جا آورده بود. این امر نشان‌دهنده‌ی چیست؟ اینکه کلیسا و مسیح یک شده‌اند.

و به محض اینکه آنها به یکدیگر وصل شوند، از طریق این آخرین حلقه‌ی متصل‌کننده، او [کلیسا] فریادزنان آسمان را درخواهد نوردید. وسلی، لوتر و سایرینی که در آن روزها بودند در عرش حاضر خواهند شد، «اولین آخرین و آخرین اولین خواهند شد.» و زمان رستاخیز فراخواهد رسید.

۸۶ ما در زمان آخر هستیم. گوش کنید، این کاری است که روح‌القدس می‌کند. چنانکه می‌بینید، روح‌القدس به وسیله‌ی عادل‌شمردگی، فقط سایه‌ای کمرنگ از آن حقیقت را انعکاس می‌دهد؛ روح‌القدس به وسیله‌ی تقدیس، سایه‌ای اندکی ژرف‌تر از آن حقیقت و امر الهی را منعکس می‌کند؛ روح‌القدس به وسیله‌ی تعمیم یافتن از آن امر الهی، سایه‌ای ژرف‌تر را باز می‌تاباند؛ اینک روح‌القدس به وسیله‌ی استقرار مجدد و نوشونده‌ی همان شخصیت که خودش باشد در اینجا حضور دارد و در حال پدیدار

ساختن آیات و معجزات است مثل کاری که در آغاز انجام داده بود. چه باشکوه! جلال باد! به هر حال مرا «غلتنده‌ی مقدس» خواهید خواند چه بسا همین حالا شروع کنید.

۸۷ برادران گوش کنید، به این نکته گوش کنید.

... همه‌ی سفره‌ها از قی و نجاست پُر گردیده... جای طاهری نمانده است.

کدام را معرفت خواهد آموخت؟... اخبار (آموزه) را به که خواهد فهمانید؟  
آیا نه آنانی را که از شیر بازداشته و آرز پستان گرفته شده‌اند؟

نه نوزادان و کودکان خردسال؛ خردسال‌های مشایخی، خردسال‌های متدیست، خردسال‌های پنطیکاستی، خردسال‌های لوتری، خردسال‌های ناصری. او کسی را می‌خواهد که مایل باشد از شیر گرفته شود و گوشت درست و حسابی بخورد. و اینجا چنین آمده است:

زیرا که حکم بر حکم... حکم بر حکم؛ قانون بر قانون و قانون بر قانون...  
اینجا اندکی و آنجا اندکی خواهد بود.

زیرا که با لب‌های الکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهم نمود.

که به ایشان گفت: راحت همین است. پس خسته‌شدگان را مستریح سازید و آرامی همین است. اما نخواستند که بشنوند.

۸۸ مگر غیر از این است که روح‌القدس در روز پنطیکاست درست به همین ترتیب که هفتصد و دوازده سال پیش از نزولش نبوت شده بود، فرود آمد! خودش است، در روز پنطیکاست دقیقاً به همان شکل آمد.

۸۹ شخصی از «نگاه داشتن روز سبت» گفت. در حال نفی یا کم‌ارزش خواندن کلیسا یا دین و مذهب کسی نیستم. ولی گفته شده: «روز سبت، سبت خدا همان روز استراحت و آرامی بود.»

روز آرامی این است. [برادر برانهام کتاب مقدس خود را برمی‌دارد-گروه تألیف. «آرامی همین است»، گفته شده: «پس خسته‌شدگان را مستریح سازید.» همین است. آمین! «حکم بر حکم و قانون بر قانون خواهد بود.» آرامی همین است. روح‌القدس چیست؟ آرامی. چه پُر جلال!

بیایید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهیم بخشید.

۹۰ او چیست؟ همان وجود اعظم که وارد شما می‌شود و به شما آرامی می‌دهد؛ علامت شماست، تسلی‌دهنده‌ی شماست؛ تسلی‌یافته، به آرامش رسیده و مَهر شده.

۹۱ چطور شما...؟ این یک علامت و نشان است، دنیا می‌داند که اتفاقی برای شما رخ داده است. آن چیست؟ یک تسلی‌دهنده. او چیست؟ یک مَهر. شما در آرامی هستید. شما دارای... او شفیع شماست. اگر اتفاقی برای شما رخ دهد، در آنجا یک چیز متعال هست که فوراً برای شما شفاعت کند، توجه دارید، اقدام به وساطت می‌کند. او روح

خداست که در کلیسا حضوری زنده دارد، دقیقاً نبوت شده که وقتی بیاید چه خواهد بود. یک آرامی جاودانی و ابدی خواهد بود.

۹۲ خدا جهان را آفرید. به تعبیر عبرانیان باب ۴. «خدا جهان را آفرید و در روز هفتم از جمیع اعمال خود آرامی گرفت.» درست است.

روز هشتم بازگشتی بود تحت... او آن را برای مدتی معین به صورت یک پیمان به یهودی‌ها سپرد. درست است. ولی آنها می‌روند و یک روز می‌آرامند و سپس روز نخست هفته بازمی‌گردند تا از نو آغاز کنند، یک شروع دوباره. این آن آرامی‌ای که خدا از آن سخن گفت نیست.

وقتی خدا جهان را در شش روز آفرید، آن موقع که رفت تا بیارامد، آرامی او از آن زمان ادامه داشته است. درست است. این ختم ماجرا بود. چنین نبود که او روز هشتم بازگردد و از نو شروع کند.

۹۳ این تنها یک سایه بود. باری، این یک نمونه بود. مانند مقام ماه در برابر خورشید ولی وقتی خورشید طلوع می‌کند، دیگر نیازی به ماه نداریم. حال به این مورد که در مکاشفه ۱۱ آمده است دقت کنید: «زنی که ماه زیر پای‌هایش و خورشید بر سرش است.» آری، می‌توانیم کتاب مقدس را از این سر تا آن سر سیر کنیم و این مطلب را به شما نشان دهیم. توجه می‌کنید؟

۹۴ اما آن چیست؟ آنجا که کتاب مقدس در عبرانیان می‌گوید: «اگر یوشع یک روز مشخص را برای آرامی به آنها بخشیده بود، بعدها (خدا) از روزی دیگر سخن به میان نمی‌آورد. خدا از روزی دیگر سخن گفته است.» او از کدام روز به عنوان موعد آرامی سخن به میان می‌آورد؟

بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید.

۹۵ متی باب ۱۱ آیه ۲۲... دقت کنید، به این ترتیب درمی‌یابیم که هنگامی که در او قرار می‌گیریم... به گفته‌ی عبرانیان ۴: «آنکه داخل آرامی عیسی شد، او نیز از اعمال دنیوی خود بیارامد چنانکه خدا از اعمال خویش،» وقتی خدا جهان را آفرید دیگر باز به آن نپرداخت. تا چه مدت؟ [برادر برانهم سه بار بر روی تریبون ضربه می‌زند- گروه تألیف.] تا چه مدت به وسیله‌ی روح القدس مُهر و مختوم شده‌اید؟ «تا روز رستگاریتان.» خودش است، همان آرامی، تسلی، شفیع، مُهر، رهاننده. چه پُر جلال! [برادر برانهم یک بار دست می‌زند- گروه تألیف.] به نوعی به شور و هیجان می‌آیم، در واقع به نوعی خود را سعادتمند حس می‌کنم. چه باشکوه!

۹۶ «برادر برانهم آیا این چیزی است که به ما وعده داده شده است؟ آیا از طریق کتاب مقدس ثابت شده است؟»

بسیار خوب، سراغ کتاب یوئیل برویم تا ببینیم یوئیل در این باره چه گفت.

چقدر بابت کلام مبارک خدا شکرگزارم! آیا دوستدار آن هستید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین»- گروه تألیف.] به این می‌اندیشم که اگر محض خاطر کلام نبود، نمی‌دانم کارمان به کجا می‌رسید و کجا بودیم. بسیار خوب.

حال به یوئیل رسیدیم. قصد داریم باب ۲ کتاب یوئیل را از نظر بگذرانیم، از آیه‌ی ۲۸ آغاز خواهیم کرد. یوئیل ۲:۲۸، هشتصد سال پیش از آمدن مسیح، نبی در روح [بود]. حال گوش کنید.

و بعد از آن روح خود را بر همه‌ی بشر خواهیم ریخت... و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رؤیایا خواهند دید.

و در آن زمان روح خود را بر غلامان و کنیزان خود نیز... در آن روزها، روح خود را خواهیم ریخت.

و آیات خود را از خون و... آتش و ستون‌های دود در آسمان و زمین ظاهر خواهیم ساخت.

آفتاب به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهند شد، پیش از ظهور... یوم عظیم و مهیب خداوند.

و واقع خواهد شد هر که نام خداوند را بخواند نجات یابد.

۹۷ این یک...! چه؟ یوئیل! دقت کردید؟ پطرس در اعمال ۲ به همین آیه استناد می‌کند. [پطرس] گفت: «ای مردان اسرائیل، سخنان مرا فراگیرید. اینها مست نیستند» این مردمان مَهْرشده، تسلی‌یافته، خاص و علامت‌گذاری شده. «اینها مست نیستند چنانکه شما گمان می‌برید» اعمال ۲، «زیرا که ساعت سوم از روز است. بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت که: خدا می‌گوید که در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهیم ریخت.»

۹۸ او چیست؟ روح‌القدس چیست؟ بسیار خوب، اینک جا دارد باز هم به این نکته توجه کنیم که به ایمانداران وعده داده شده است، او همان است. حال خواهیم دید که این روح‌القدس چیست، یک دقیقه... آن را به که وعده داده‌اند؟ به ایمانداران.

اکنون نگاهی به لوقا بیندازیم، باب ۲۴ انجیل لوقا. به آنچه عیسی به عنوان واپسین سخنانش پیش از ترک زمین گفت گوش کنید. لوقا باب ۲۴. شما که دارید این را یادداشت می‌کنید، می‌توانید یادداشتش کنید و سپس فردا که زمان بیشتری دارید آن را مطالعه کنید. حال لوقا ۲۴:۴۹ به سخنانی که عیسی به زبان می‌آورد توجه کنید. در انتها وقتی داشت به جلال صعود می‌کرد چنین سخنانی به شاگردانش گفت.

... و اینک من موعود پدر خود را برای شما می‌فرستم...

کدام موعود؟ مَهر، علامت، تسلی‌دهنده و همه‌ی آن موارد که بیش از هزاران بار از آنها سخن گفتم.

... موعود پدر خود را برای شما می‌فرستم...

کدام موعود؟ «همان که اشعیا پیش‌تر از آمدنش خبر داده بود: با لب‌های الکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهیم نمود. آن آرامی را بر شما روانه خواهیم کرد. چیزی که یوئیل از آن سخن گفت را خواهیم فرستاد. خدا می‌گوید در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر شما خواهیم ریخت. آری، آن را برای شما خواهیم فرستاد و کاری خواهیم کرد که همه‌ی امت‌ها، همه‌ی اقوام، ابتدا از اورشلیم... نسل و ذریت ابراهیم را تحت پوشش این عهد خواهیم آورد. تک‌تک آنها را مُهر خواهیم کرد. توجه دارید، روح خود را خواهیم ریخت.»

... اینک من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی به قوت از اعلی آراسته شوید.

۹۹ با این حساب روح‌القدس چیست؟ «قوت از اعلی!» نه قوتی از جانب اسقف، نه قوتی از جانب کلیسا. بلکه «قوت از اعلی!»

۱۰۰ این قوت الهی چگونه رسید؟ از راه «پیوستن به کلیسا»؟ شما را به چالش می‌طلبم تا بگویید که این سخن درست است. از طریق «پیوستن به یک کلیسا و دست دادن با واعظ؟» خیر، آقا. اینک روی سخنم با شما کاتولیک‌هاست، [آیا] «با بیرون آوردن زبان و خوردن نخستین عشای ربانی آمد»؟ خیر، آقا.

۱۰۱ آن قوت از اعلی چگونه آمد؟ بیایید مطلبی که اندکی جلوتر آمده را قرائت کنیم. بیایید سری به اعمال ۸:۱ بنزیم. اینک آنها دارند جمع می‌شوند. حال آنجا از عیسی می‌گفتند، همان موقع که دور هم جمع شدند و شخصی دیگر را به جای یهودا تعیین کردند. اعمال ۸:۱.

لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت...

چه؟ «آیا عضو خیمه‌ی برانهام می‌شوید؟» خیر. «آیا عضو کلیسای متدیست، کاتولیک، مشایخی می‌شوید؟» چنین چیزی در کتاب مقدس نیست. این یک باور و آموزه‌ی انسان‌ساخته است.

«لیکن چون واعظ شوی قوت خواهی یافت؟» خیر، آقا. «وقتی مدرک لیسانس را گرفتی قوت خواهی یافت؟» خیر، قربان. «وقتی مدرک... دکترای الهیات را گرفتی قوت خواهی یافت؟» خیر، جناب. «وقتی در آب تعمید گرفتی قوت خواهی یافت؟» نه، آقا. «نگاه که نخستین عشای ربانی‌ات را خوردی قوت خواهی یافت؟» خیر، جانم. چنانکه مشاهده می‌کنید این دست‌امور تماماً ساخته و پرداخته‌ی انسانی است.

۱۰۲ به گفته‌ی کتاب مقدس توجه کنید، به آنچه عیسی گفت.

... چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت (روح‌القدس چیست؟ قوت است) در ادامه و پس از آن شاهدان من خواهید بود... («فقط شما دوازده تن در اورشلیم جزو شاهدان خواهید بود؟» ... شاهدان من خواهید بود در اورشلیم... یهودیه... سامره و تا اقصای جهان (که هنوز دسترسی به آنجا هیچ‌گاه محقق نشده است).

و چون این را گفت... چون این را گفت وقتی که ایشان همی نگرینستند،  
بالا برده شد و... ابری او را از چشمان ایشان در ربود.

۱۰۳ اینک صفحه را ورق بزیند و به تحقق این نبوت‌ها بنگرید.

و چون روز پنطیکاست رسید آنها... به یکدل در یکجا بودند.

«و ناگاه شبان وارد می‌شود و...» اینجا از متن خارج شدم، این‌طور نیست؟ «ناگاه کشیش پای مذبح می‌رود؟» نه.

و ناگاه آوازی آمد...

نه یک وهم و خیال؛ در آنجا صدایی آمد.

«آیا یک خادم داشت به در نزدیک می‌شد؟» «آیا کشیش حین خروج از مکان مقدس عشا ربّانی را با خود آورده بود؟» نه، هیچ از این خبرها نبود.

... ناگاه آوازی از آسمان آمد... (نه صدای کوبیده شدن پای بر زمین)...

آوازی چون صدای وزیدن باد شدید... از آسمان آمد (خدای من! هووووش!...

...؟) ... و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پُر ساخت.

۱۰۴ روح‌القدس چیست؟ جایی که قوت را می‌بایند اینجاست. جایی که باید منتظر می‌ماندند اینجاست. و اینجا وقتی چنین کردند چنین اتفاقی [برایشان] رقم خورد. و همه‌ی اینها نبوت شده بود، از پیدایش به بعد، یگراست از ابراهیم تا آن‌سو؛ آمدنش، نحوه‌ی آمدنش و آثار و ثمراتی که پدیدار خواهد ساخت. او چیست؟ همان که به کلیسا و ایمانداران وعده داده شده است.

... تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پُر ساخت.

و زبانه‌های منقسم شده مثل... زبانه‌های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت.

و همه از روح‌القدس پُر گشته، به زبان‌های مختلف به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند.

حال، جمعه شب به این محبت خواهیم پرداخت. برای همانجا می‌گذاریمش، توجه دارید؟

۱۰۵ آن [روح‌الهی] چگونه چیزی است؟ یک وعده برای کلیساست، کاملاً از جنس وعده است. بسیار خوب.

۱۰۶ حال، اکنون قرار است مطلب را بفهمیم، وقتی آنها پُر شدند تا چه مدت مهر و مخطوم می‌شوند؟ [جماعت می‌گویند: «تا روز رستگاری.» - گروه تألیف.]

در اینجا چند نفر روح‌القدس را یافته‌اند؟ خوب است نگاهی به دست‌های شما بیندازیم. آنها که روح‌القدس را دارند از آنها که ندارند بیشترند. برادر، خواهر دل‌مان می‌خواهد شما هم یکی از ما باشید. وقتی بفهمید که او چیست... روح پروردگار است که در شما سکونت می‌گزیند تا اعمال خدا را انجام دهد.



هرگاه خدا روح خود را فرستاد تا در یکی از خادمانش عمل کند، در هر یک از انبیايش، هر یک از معلم هایش، هر یک از رسولانش، رسم همیشگی چنین بوده که دنیا آنها را رد کرد. در هر عصر و روزگاری که بوده آنها را دیوانه شمردند. حتی وقتی پولس در برابر اغریپاس قرار گرفت گفت: «به طریقتی که بدعت می گویند...» بدعت چیست؟ «جنون». «به طریقتی که دیوانگی و بخشی از دسته‌ی بی عقل‌ها بودن، خوانده می شود... به آن طریقت است که خدای پدران خویش را عبادت می کنم.» [برادر برانهام یک بار دست می زند- گروه تألیف]. بسی شادمانم از اینکه می توانم بگویم که من هم یکی از آنها هستم.

۱۰۷ حال، روح القدس پس از نزول بر آنها، چنان آنها را به هم دلبسته کرد که در همه چیز شریک بودند. درست است؟ خدای من، عجب مشارکتی! هر از چندگاهی این سرود را می خوانیم: «وای که چه مشارکتی! عجب مشارکت الهی‌ای!» همین است. اهمیت نمی دادند. به اینکه خورشید می تابد یا نه کاری نداشتند. خواهان آسایش بر روی یک تخت و بستر گل آراسته نبودند.

شماری از مردم به من می گویند: «کنون روح القدس را خواهم یافت...» «آقای برانهام اگر ضمانت کنی که میلیونر خواهم شد، اگر ضمانت کنی که چاه نفت کشف خواهم کرد، اگر معدن طلا پیدا کنم و من-من...» استحضار دارید کسانی هستند که چنین چیزی را تعلیم می دهند و یک دروغ را تعلیم می دهند. خدا این چیزها را وعده نداده است.

۱۰۸ انسانی که روح القدس را یافته باشد به اینکه محتاج نان شود یا نه اهمیت نمی دهد. هیچ فرقی برایش ندارد. او آدمی است که به آسمان متصل شده است. او... هیچ پیوندی با اینجا ندارد. درست است. او اهمیت نمی دهد. چه خانی بیاید، چه خانی برود، هر چه می خواهد بشود. بگذار مردم انتقاد کنند و به تمسخر بگیرند. شما را چه باک از اینکه اعتبار و وجهه خود را از دست بدهید؟ شما در جاده‌ی منتهی به جلال طی طریق می کنید! هلولویا! دیدگان شما روی مسیح تنظیم شده و مسیرتان را می پیمایید. کار به اینکه دنیا چه می گوید ندارید.

روح القدس همین است. یک قوت الهی است، یک مَهر است، یک تسلّی دهنده است، یک شفیع [او مدافع] است، یک علامت و نشان است. چه باشکوه! اطمینانی است مبین این امر که خدا شما را پذیرفته است.

وقت و زمانی که گرفتم چقدر شد؟ فقط هشت دقیقه دیگر فرصت دارم. بسیار خوب. اجازه دهید... نگاهشده‌های بسیاری را اینجا دارم. فکر نمی کنم بتوانم به آنها برسم ولی حداکثر تلاشمان را خواهیم کرد.

۱۰۹ باری پس از اینکه شخصی از روح القدس پُر شد، آیا امکان دارد که جفاها و اموری از این دست او را وادار به عقبگرد و برگشتن کند و... حال، او شکست نخواهد خورد، او همچنان پسر خداست، همیشه خواهد بود زیرا تا کی و تا چه مدت مَهر شده‌اید؟ [جماعت می گویند: «تا روز رستگاری.»- گروه تألیف]. درست است. این گفته‌ی کتاب مقدس است.

۱۱۰ باری، پس از اینکه شاگردان را کتک زدند، آنها را مسخره کرده و به باد استهزاء گرفتند و همه‌ی اینها... فکر کردند وقت آن است تا اندک زمانی برگشته و با هم جمع شوند. بیایید سری به اعمال باب ۴ بزنیم و ببینیم آنها... چه اتفاقی رخ داد. حال این برای شماست یعنی مردمانی که قبلاً آن را یافته‌اند. اعمال باب ۴.

حال، پطرس و یوحنا را به سبب برپایی جلسه‌ی شفا نزدیک ساختمان کلیسا به زندان انداختند. چند نفر این را می‌دانند؟ مردی در آنجا دراز کشیده بود، پاهایش به نوعی لنگ بود. نمی‌توانست راه برود، مدت چهل سال چنین بود. و پطرس عبور کرد. و آن شخص گفت... کاسه‌اش را برداشت تا چیزی برای خوردن داخل کاسه‌اش بیندازند.

و پطرس نشان داد که واعظی پُر از روح‌القدس است، او هیچ پولی نداشت. او-او گفت: «مرا نقره و طلا نیست.» چنانکه می‌بینید بهایی به آن نمی‌داد. ولی او از خلاق متصل به آسمان بود. چقدر دلم می‌خواست زمان داشتیم تا مقداری آن مطلب را پرورانده و بسط می‌دادیم. او به آسمان وصل بود. او تسلی یافته بود. او روح را داشت. او قوت را داشت. او گام به پیش برداشت و گفت: «مرا طلا و نقره نیست اما آنچه دارم به تو می‌دهم.»

بی‌تردید آن مرد گفت: «جناب، چه داری؟»

«من ایمان را دارم. در قلم چیزی دارم که از ده روز پیش شروع به رشد کرده است. آنجا بودم، آن بالا یعنی در آن بالاخانه و ناگاه تمام وعده‌هایی که خدا داده بود... به مدت سه سال و نیم با عیسی گام برداشتم. با او صیادی کردم و ماهی بیرون کشیدم. کارهای مختلفی کردم. و شاهد بودم که بیماران را شفا می‌داد. من... او پیوسته به من می‌گفت: پدر در من است ولی وقتی بروم او در شما خواهد آمد. با این حال نمی‌توانستم این مطلب را درک کنم ولی او گفت: از شما انتظار ندارم آن را درک کنید.»

شما این امور را درک نمی‌کنید فقط آنها را گرفته، دریافت می‌نمایید. من هنوز آن را درک نمی‌کنم. به من نگویید که شما از آن سر در می‌آورید چون سر در نمی‌آورید. ملاحظه می‌کنید؟ بنابراین نمی‌توانم آن را درک کنم، توان توضیح آن را ندارم ولی تنها چیزی که می‌دانم این است که آن را یافته‌ام.

می‌گویید: «خوب، خوب، اینکه علمی نیست.» بله، البته که هست.

۱۱۱ به آن برق‌ها و صاعقه‌ها بنگرید. وقتی بنجامین فرانکلین آن را گرفت گفت: «گرفتمش.» نمی‌دانست چه دارد ولی آن را داشت. و دلم می‌خواهد امشب یک نفر به من بگوید برق [الکتریسته] چیست. هنوز نمی‌دانند چیست ولی آن را داریم. آمین. درست است. کسی نیست که بداند برق چیست. می‌توانند آن را مهار کنند، آن را به روشنایی تبدیل کنند، آن را به سوختنی تبدیل کنند و آن را به کار بیندازند. ولی چیزی است که به وسیله‌ی مولدها تولید می‌شود، دو قطعه که به آن شکل می‌چرخند. و آن را تولید می‌کند و این همه‌ی آن چیزی است که می‌دانند. روشنایی خواهد داد و در خود نیرو دارد.

۱۱۲ و این نظیر روح خداست. آنجا که یک قطعه را دارید، آن قطعه شما هستید و آن قطعه‌ی دیگر خداست، وقتی آنها آن‌طور با هم به حرکت درآیند و به کار بیفتند، چیزی برای شما شکل خواهد گرفت. درست است. روشنایی و نور خواهد بخشید. قوت را عطا خواهد کرد. شما چیزی از چستی آن نمی‌دانید و هیچ‌گاه نخواهید دانست که چست ولی وقتی آن را یافته باشید این را می‌فهمید. این چیزی است که می‌توان بابتش مطمئن بود. و آن امر الهی برای شماست. متعلق به شماست. این تضمین است. درست است.

و آن روشنایی چه چیز را نشان می‌دهد؟ اینکه تضمین و اطمینان خاطر وجود دارد. اینکه نور هست.

حال دقت کنید. باری، شما از چستی آن نمی‌دانید.

۱۱۳ ولی آن افراد گفتند: «خوب» آنها... آنها نکته‌ای که می‌دانستند را گفتند: «می‌دانیم که آنها از عوامند.» چند «بی‌عقل» مضاعف دیدید، مثل تعبیری که آن آلمانی بی‌ادعا درباره‌ی خودش به کار برد. توجه دارید؟ گفتند: «آنها عوام و آموزش ندیده هستند. ولی از همراهان آن صیاد، آن نجار که آنجا بود و نامش عیسی است بودند، این را می‌توانم به شما بگویم چون همان اعمالی که او به جا آورد را به جا می‌آورند.»

۱۱۴ روح‌القدس همین است، عیسی است که در یک ماهیگیر بی‌سواد، یا یک نجار یا هر کس، یا یک واعظ به مکتب نرفته، حیاتش را جاری کرده است و در وی زندگی می‌کند فارغ از اینکه آن شخص کیست. آن شخص انسانی است که می‌خواهد نسبت به امور جهان ناآگاه بماند و اجازه می‌دهد عیسی وارد او شود یعنی روح خدا، مُهر، تسلی‌دهنده. او اهمیتی به پرستیز نمی‌دهد تنها چیزی که می‌خواهد خداست.

۱۱۵ وقتی خدا در حال برپایی نظم بود، گفت: «همه‌ی شما لای‌ها را خوانده و در منصب کهانت قرار داده‌ام. و همه‌ی برادرانتان، دیگران، دوازده سبط و... یازده سبط دیگر به شما ده یک خواهند داد.»

«وقتی اندازه‌ی نه بوشل سیب برمی‌دارید، یک بوشل را هم برای لایان کنار بگذارید. وقتی گوسفندان خود را از میان آن سرسرا می‌گذرانی، گوسفند دهم را بردار. به اینکه ریز باشد یا درشت، چاق باشد یا نحیف اهمیت نمی‌دهم، آن متعلق به لایان است.»

«حال، شما لای‌ها، وقتی همه‌ی اینها را می‌گیرید، شما هم باید به خداوند ده یک بدهید. هدیه‌ی جنبانیدنی، هدیه‌ی افراشتنی و هدایای مختلف را. شما به خداوند ده یک می‌دهید.»

۱۱۶ گفت: «موسی، در رابطه با سهم تو، من سهم تو هستم.» چه پُر جلال! گفت: «من نصیب رضایت‌بخش تو هستم.»

و روح‌القدس هم امروز همین موقعیت را نسبت به کلیسا دارد. مرا طلا و نقره نیست لکن سهم و نصیب رضایت‌بخش را دارم. هلولو! از حیث تحصیلات به زحمت می‌توانم این کتاب [مقدس] را بخوانم ولی یک نصیب رضایت‌بخش دارم. خوب است. مدرک دکترا ندارم؛ دکترای تخصصی (پی.اچ.دی) یا دکترای حقوق یا هیچ مدرک

دیگری، ولی یک چیز را دارم و آن هم نصیب رضایت‌بخش است. این همان سهمی است که می‌خواهم. این همان سهم است که خدا مایل است داشته باشید. باقی آن چیزهای کهنه را دور بریزید، همه‌ی آنچه به پرستیژ و وجهه و کلیه‌ی موارد دیگر مربوط می‌شود را [کنار بگذارید]، از این حال و هوا [خارج شوید و نصیب رضایت‌بخش پروردگار را بیابید.

۱۱۷ زیرا آنچه در این زمین یافته‌اید را وقت رفتن، در این زمین بر جای خواهید گذاشت. ولی اگر آن نصیب رضایت‌بخش را یافته باشید، یقیناً شما را بالا خواهد کشاند. امروزه همواره بیمه به بیمه اضافه می‌کنیم تا آن را به مأمور دفن و آنکه پایین می‌کشاند بدهیم. بیابید نصیب رضایت‌بخش خدا را بیابیم و به جای پایین‌کننده، آنکه بالا می‌کشاند را دریافت نماییم. می‌دانید که هر دو کار می‌کنند.

۱۱۸ حال نگاه کنید.

... و چون رهایی یافتند نزد رفقای خود رفتند...

نزد کاهنان بازنگشتند. توجه دارید و این نشان‌دهنده‌ی این بود که آن امر الهی را یافته‌اند. آنها بار دیگر به آن چیز [آن ساختار] کهنه، سرد و رسمی بازنگشتند، خیر؛ این‌طور که برگردند و بگویند: «حال، نگاه کنید با ما چه کردند!» خیر، خیر. آنها جمع همراهان خود را داشتند. فقط حدود دوازده نفر از آنها در آنجا بودند ولی جمع همراهان همین اندازه‌اش هم کافی بود، یک جماعت کوچک و انگشت شمار از مردم.

... چون رهایی...

پس از ضرب و جرح و تهدید، به آنها گفتند: «اگر روزی روزگاری باز هم به نام عیسی تعمید دهید!» یا منظورم این... خوب، درست است. توجه کردید؟ «اگر روزی روزگاری باز هم به نام عیسی موعظه کنید، گرفتارتان خواهیم کرد!»

۱۱۹ گفتند: «خوب، این یک تهدید جدی است. پیش سایر برادران برویم.» آری، راهش همین است. در یکدلی قدرت هست. در اتحاد قوت هست. گفتند: «بیابید پیش سایر برادرها برویم تا ببینیم چه کاری از ما برمی‌آید.»

۱۲۰ حال، همگی با هم جمع شدند و تجربیات مختلف را تعریف کردند.

... چون رهایی یافتند نزد رفقای خود رفتند و ایشان را از آنچه رؤسای کهنه و مشایخ بدیشان گفته بودند، مطلع ساختند.

چون این را شنیدند آواز خود را به یکدل به خدا بلند کرده...

حال به آنچه گفتند گوش کنید. بر او دقیق شوید، آنها را نظاره کنید که پا پس نمی‌کشند تا بگویند: «ای...» چیزی قریب به این مضمون که: «خداوند، متأسفم...» نه. آنها قبلاً نجات یافته بودند. آنها از روح پُر شده بودند. آنها حیات ابدی را داشتند.

... آواز خود را به یکدل... به خدا بلند کرده گفتند: خداوند، تو آن خدا

هستی...

آمین! برادر پالمِ این را بسیار دوست دارم. این مطلب را دوست دارم.

... تو آن خدا هستی (این را می‌دانیم) که آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنها است آفریدی که

... به زبان پدر ما و بنده‌ی خود... داود گفتی...

۱۲۱ حال، دقت کنید. قرار است برگردی و بگویی: «باری، ما در موقعیتی نیستیم...» اکنون آنجا می‌روی تا بگویی: «خداوندا، اینک یک دقیقه صبر کن. آنها دارند مسخره‌ام می‌کنند!» آیا او نگفت که این کار را خواهند کرد؟

«و همه‌ی کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت‌ها خواهند دید.»

«خوب، می‌دانی رئیس‌م گفت که اگر ببیند... آیا آنها نگفته بودند که این حرف را خواهند زد؟» «خوب، می‌دانی آن روز مرا به خاطر آن امر الهی به محکمه کشاندند.»

۱۲۲ مگر او نگفت: «شما را به جهت نام من در حضور سلاطین و حکام خواهند برد، اندیشه مکنید که چه بگویید زیرا گوینده شما نیستید.»؟ دیروز شاهد رخ دادن این اتفاق بودم. «روح‌القدسی که در شماست گوینده خواهد بود.» توجه دارید، «او.» درست است. بسیار خوب. «اندیشه مکنید که چه بگویید.»

خداوند... به وسیله‌ی... به زبان بنده‌ی خود داود گفتی: چرا امت‌ها هنگامه می‌کنند و قوم‌ها به باطل می‌اندیشند؟

سلاطین زمین برخاستند و حکام... با هم مشورت کردند، بر خلاف خداوند و بر خلاف مسیحش.

... فی‌الواقع بر فرزند قدوس تو عیسی که او را مسح کردی، هیروودیس و پنطیوس پیلاتس با امت‌ها و قوم‌های اسرائیل... با هم جمع شدند، تا آنچه را که دست و رأی تو از قبل مقدر فرموده بود، به جا آورند.

چقدر پُر جلال! این را دوست دارم. «خداوندا، آنها درست همان کاری که گفته بودی و مقدر فرموده بودی را انجام می‌دهند.» کتاب مقدس چه گفت؟ «در ایام آخر استهزاکنندگان ظهور خواهند کرد. مردمان تندمزاج، مغرور و بیش از خدا دوستدار عشرت خواهند بود؛ کینه‌دل، غیبت‌گو، ناپرهیز و متنفر از نیکویی. صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار...» آنها هیچ‌گاه آن بالا نرفتند تا قوت را بیابند. «... پس از این روح‌القدس بر شما خواهد آمد.» «صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار می‌کنند. از ایشان اعراض نما.» روح‌القدس همین است. توجه کردید؟

... آنچه مقدر شده بود... انجام شود...

... و الان ای خداوند، به تهدیدات ایشان نظر کن و... غلامان خود را عطا فرما تا به دلیری تمام به کلام تو سخن گوئیم،

چقدر این را دوست دارم! آن استخوان جناغ کهنه را برکن و یک ستون فقرات واقعی را در آنجا بگذار. حال خوب به این قسمت توجه کنید.

... به کلام تو سخن گوئیم،

به دراز کردن دست خود به جهت شفا دادن...

آری، برادر! درست است که مرگ به سراغ دیوها نمی‌رود ولی روح‌القدس نیز نامیراست. ملاحظه می‌کنید؟

... به دراز کردن دست خود به جهت شفا دادن... و جاری کردن آیات و معجزات به نام بنده‌ی قدوس خود عیسی.

می‌بینید بر سر چه هیاهو راه انداخته و ناآرام شدند، نمی‌بینید؟ آنها امروز هم همین کار را می‌کنند ولی ذره‌ای خیر نمی‌رسانند.

و چون دعا کرده بودند مکانی که در آن جمع بودند به حرکت درآمد و همه به روح‌القدس پُر شده... و کلام خدا را به دلیری می‌گفتند.

۱۲۳ چه باشکوه! چه پُر جلال! وقتی آن بالا رفتند چیزی را یافتند، مگر غیر از این است؟ طبق آنچه در وعده بیان شده، روح‌القدس همین است، می‌آید تا به شما شهامت ببخشد، تا تسلی بخش شما باشد، تا مَهرتان کند، تا آیتی را به شما بسپارد. چه شکوهمند!

۱۲۴ گوش کنید. ای کاش زمان داشتیم، می‌توانستیم همراه فیلیپس پایین برویم، نزد سامری‌ها. در اعمال ۸:۱۴؛ خدمت همگی شما که یادداشت برمی‌دارید. آنها شادی عظیمی را یافته بودند، شفاهای عظیم را تجربه کرده بودند در نام عیسی مسیح تعمید گرفته بودند. افرادی را به اورشلیم فرستادند تا پطرس را بیاورند، او آمد و روی آنها دست گذاشت و آنها روح‌القدس را یافتند. اعمال ۸:۱۴.

۱۲۵ از امت‌ها شخصی به نام کرنیلیوس بود. او مردی فوق‌العاده بود، ده یک می‌پرداخت، برای مردم کنیسه‌ها بنا کرده بود، به خدا احترام می‌گذاشت، خداترس بود. یک مرد نیکو، یک مشایخی، متدیست، باپتیست خوب یا چیز دیگر، توجه دارید، یک شخص بسیار خوب. روزی خدا گفت: «او شخص خوبی است بنابراین او را به یک جلسه می‌فرستم. لازم است که واعظ خود را آنجا بفرستم تا به او درباره‌ی آن امر الهی بگوید.» بسیار خوب.

به این ترتیب او یک رؤیا دید... [فرشته‌ی خدا] گفت: «به یافا برو و شمعون نامی را خواهی یافت، او یک دباغ است. شخصی معروف به شمعون پطرس که آنجا حضور دارد. او را به اینجا بیاور و او به تو خواهد گفت و راه را نشانت خواهد داد زیرا او چیزی یافته است.»

۱۲۶ و در حالی که پطرس آنجا ایستاده بود... کرنیلیوس بر آن شد تا آن واعظ را پرستش کند. به این حالت بود. ولی پطرس گفت: «برخیز، من نیز مانند تو یک انسان هستم.»

«این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که» درباره‌ی اینکه چگونه به عقب رفتند و از آغاز... همان مطالبی که اکنون می‌گوییم، اینکه خدا چگونه وعده‌ی افاضه روح‌القدس را داده بود. «این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح‌القدس بر آنان نازل شد.» آری! بله. ماهیت روح‌القدس برای آنکه در نظر گرفته شده، همین است. یقیناً. «همه‌ی آنها از روح‌القدس پُر شدند.»

۱۲۷ حال، توجه کنید در افسسیان، یک برادر باپتیست بود. او ابتدا یک حقوقدان بود، مرد باذکاوت و هوشمندی بود، قانون را می‌شناخت؛ یک انسان برجسته، یک دانشور. روزی مشغول مطالعه‌ی کتاب مقدس شد و دید شخصی به نام مسیح خواهد آمد. سپس وقتی روایاتی درباره‌ی آن عیسی شنید، گفت: «فانع شدم. آشکارا ایمانم را ابراز می‌کنم که عیسی همان مسیح و پسر خداست.» او یک باپتیست راستین بود. اینجاست که چنین پیش می‌رود: «آشکارا اقرار می‌کنم که عیسی همان مسیح است.» این کار را آنقدر انجام می‌دهد که خدا وی را به خدمت می‌خواند. خدا همواره با یک قلب حقیقی سخن خواهد گفت.

۱۲۸ و کمی دورتر یک خیمه‌دوز بی‌ادعای کهنه‌کار به نام اکیلا و پرسکلا بودند، آنها زن و شوهر بودند. آنها خیمه‌دوز بودند. این جریان در اعمال ۱۸ برای شما بازگو شده است. پولس با او دوست بود. آنها زیر دستان پولس و تحت تعلیم او روح‌القدس را یافته بودند.

شنیده بودند که در آنجا یک جلسه‌ی بیداری در جریان است بنابراین به آنجا رفتند. شمار حاضران فقط در حدود ده تا دوازده نفر بود. بنابراین او به آنجا رفت تا نگاهی به آن بیندازد و صدای آن واعظ را در حال موعظه شنید، خلوص و صفای قلبش را... گفت: «می‌دانی، به نظرم او به آن حقیقت الهی گوش خواهد سپرد.»

بنابراین جلسه که تمام شد او را صدا کرد و به پشت خیمه آورد و گفت: «بین، یک برادر نازنین داریم که حدوداً فلان اندازه قد دارد، یک یهودی بینی عقابی عزیز و وقتی او بیاید کلام خدا را با صراحت به تو تعلیم خواهد داد.» خوب مدتی بعد...

۱۲۹ آن موقع پولس در زندان بود. برای یک واعظ مدرنیست جای وحشتناکی خواهد بود، نه؟ با این حال او زندانی بود و خداوند او را به آنجا فرستاده بود. به این ترتیب پس از آنکه زلزله آمد و زندان را لرزاند، او زندانبان و اهل خانه‌اش را می‌آورد و همه‌ی آنها را در نام خداوند عیسی تعمیر می‌دهد سپس راه می‌افتد و به آنجا می‌رود.

و او به تازگی یک روح شیطانی را از یک دختر بینوا که در آنجا غیب‌گویی می‌کرد بیرون رانده بود. و آنها آقایان آن دختر پول زیادی از طریق او کسب می‌کردند و به این ترتیب پولس کاسی نیرنگ‌آلود آنها را افشا کرد و این شد که آنها او را بابت این کار به زندان انداختند. و خداوند بنیاد زندان را به جنبش درآورد زیرا افرادی آنجا بودند که باید حقیقت را می‌شنیدند. شما نمی‌توانید کلام خدا را در بند کنید... فرقی نمی‌کند وضع چگونه باشد، توانش را ندارید. توانایی این کار را ندارید.

۱۳۰ بنابراین به آنجا، جایی که آن مرد بود، می‌آید. و چه بسا اکیلا و پرسکلا تعدادی ساندویچ آماده کرده بودند. و بلافاصله پس از خوردن ساندویچ‌ها گفتند: «به جلسه‌ی بیداری خواهیم رفت.»

پولس آن عقب نشست، ردای خود را گرفت و به موعظه‌ی آن واعظ باپتیست گوش داد.

گفت: «چیزی که موعظه می‌کنی خوب و دلنشین است ولی موارد بیشتری از آن امر الهی وجود دارد. می‌خواهم از شما دکتر اپلس بپرسم که آیا از زمان ایمان آوردن خود روح‌القدس را یافته‌اید؟»

گفت: «از وجود آن خبر نداشتیم. منظورت از «روح‌القدس» چیست؟ ما باپتیست هستیم.»

گفت: «از کجا می‌دانید که باپتیست هستید؟» ملاحظه می‌کنید؟

«خوب، ما تعمید گرفتیم. ما تنها تعمید یحیی را می‌شناسیم.»

گفت: «تعمیدی که او می‌داد فقط تعمید توبه بود و می‌گفت: به آنکه خواهد آمد ایمان بیاورید یعنی به عیسی مسیح.»

و آنها با شنیدن این حرف به نام عیسی مسیح تعمید گرفتند. و پولس روی آنها دست گذاشت و روح‌القدس بر آنها قرار گرفت و به زبان‌ها سخن گفته، نبوت کردند. گفت: «هر کس.»

۱۳۱ حال، این کار را به چه شکل انجام می‌دهیم؟ می‌خواهم مطلبی به شما بگویم سپس من... پایان خواهیم داد چون به شما گفتم که می‌گذاریم زودتر بروید. می‌دانید که روح‌القدس چیست. آخرین نگاهشته‌ای که برای امشب... تعدادی دیگر را در اینجا دارم ولی مجبوریم آنها را کنار بگذاریم. بیایید رساله‌ی اول قرن‌تین باب ۱۲ را باز کنیم. در ادامه این را قرائت خواهیم کرد و سپس تمام می‌کنیم. بسیار خوب. اول قرن‌تین باب ۱۲.

چند نفر به تعلیم پولس ایمان دارند؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.»] گروه تألیف. یقیناً! او در غلاطیان ۸:۱ گفت: «هرگاه فرشته‌ای از آسمان چیزی غیر از این را تعلیم داد، اناتیماد.» چه رسد به اینکه یک واعظ باشد. «اگر فرشته‌ای از آسمان فرود آمد و غیر از این تعلیم داد، بر او اناتیماد.» حواستان باشد که با آن کاری نداشته باشید.

۱۳۲ حال به این دقت کنید، به اول قرن‌تین ۱۲. چند نفر این را می‌دانند که باید حتماً در مسیح باشیم تا بتوانیم رستاخیز را تجربه کنیم چون خدا وعده‌ی برخیزاندن بدن وی را داده است؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.»] گروه تألیف. هیچ راه دیگری نیست. اگر خارج از مسیح باشید، راه و مسیر دیگری وجود ندارد.

چه بسا چشم به عقب و اینجا برگردانید و به او ایمان آورده و بگویید: «مسلماً به او ایمان دارم. او پسر خداست.» خوب است برادر، وقتی این را می‌گویی آماده‌ام با تو دست دهم. «به او ایمان دارم. اعتراف می‌کنم که او منجی‌ام است.» این کار خوب است ولی شما هنوز در او نیستید. «با واعظ دست خواهیم داد. به گناهانم اعتراف خواهم کرد.» این هنوز به معنی بودن در او نیست.

۱۳۳ حال دقت کنید ببینید پولس درباره‌ی اینکه به چه سان وارد مسیح می‌شوید چه گفت. چگونه قرار است در زمره‌ی مختونان شناخته شوید؟ به ابراهیم و آنها یک نشان داده شد. حال به این گوش کنید، اول قرن‌تین باب ۱۲، بیایید از آیه‌ی ۱۲ شروع کنیم.



زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی... اعضای بدن اگر چه بسیار است یکتا می‌باشد، همچنین مسیح نیز می‌باشد. (نه متفرق. «یک!»)

گوش کنید. «زیرا به یک کلیسا؟» چند نفر همراه من می‌خوانند؟ «به یک دست دادن؟» «به یک آب؟» نه. با این حساب کسی در اشتباه است.  
 «به یک روح!» مگر با یک حرف بزرگ [انگارش نشده] است؟ بنابراین منظور همان «روح القدس» است. توجه دارید؟

... جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم.

۱۳۴ بدن مسیح یک روح واحد است، جایی که همه‌ی اعضا، از دوران پنطیکاست تا زمان حال از همان شراب نو، از همان روح القدس نوشانیده شده‌اند و همان نتایج و ثمرات را پدید می‌آورد. به چه سان این کار را می‌کنیم؟ «به یک روح.»

روح القدس در باز خداست. او چیست؟ در باز خداست. یک نشان است. یک مَهر است. یک تسلی‌دهنده است. یک شفیع و مدافع است. یک تضمین است. آرامی است. آسایش است. نیکویی است. شفا است. حیات است. او در باز خدا به روی همه‌ی این امور است. در باز خدا به روی مسیح است که...

خدا ثابت کرد که مسیح را از مردگان برخیزانده است و آنان که در مسیح مرده‌اند را با او در رستاخیز خواهد آورد. «روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مَهر شده‌اید محزون مسازید.» آری! چند نفر به این مطلب ایمان دارند؟ [جماعت می‌گویند: «آمین.» - گروه تألیف.]

۱۳۵ ماهیت مسیح چیست؟ روح القدس چیست؟ چیزی نیست که مردم به آن بخندند. گاهی مردم به آن می‌خندند ولی برای ایمانداران چنین نیست.

برای بی‌ایمانان! کاش یک یا دو هفته زمان داشتم... مایلم فردا شب وقتی را اختصاص دهم تا به شما بگویم که او برای بی‌ایمانان چیست. اجازه دهید برای لحظاتی اجماً این نکته را مرور کنیم. او [برای بی‌ایمانان] یک اسباب مضحکه است. [در حکم] یک تله است. [در حکم] یک سنگ لغزش است. [عامل] مرگ است. [عامل] جدایی ابدی از خداست. تصوّر اینکه برای بی‌ایمانان عامل چه چیزها خواهد بود در توانم نیست!

۱۳۶ به خاطر داشته باشید همان بارانی که برای بی‌ایمانان اسباب تمسخر بود، همان باران نوح و خانواده‌اش را نجات داد. ملاحظه می‌کنید؟ همان روح یعنی روح القدس که مردم مورد تمسخر قرارش می‌دهند و به گفته‌ی آنها «دیوانگی، مربوط به دسته‌ی بی‌عقل‌ها، یک جنون» محسوب می‌شود، همان عاملی است که کلیسا را در روزهای واپسین خواهد ربود و بالا خواهد برد و داوری و حکم را بر بی‌ایمانان فرود خواهد آورد. درست است. روح القدس این است.

۱۳۷ خوشابحال آنها که... بگذارید این را در کمال صداقت و از صمیم قلب بگوییم. خوشابحال گرسنگان و تشنگان او زیرا ایشان سیر خواهند شد.

۱۳۸ فردا شب از چگونگی و از اینکه وقتی می‌آید چه کار می‌کند صحبت خواهیم کرد.

۱۳۹ حال چند نفر در اینجا دوست دارند روح‌القدس را دریافت کنند و دلتان می‌خواهد کسی برایتان دعا کند تا آن نور را رؤیت کنید؟

می‌دانید «او چیست».

حال فردا شب به اینکه «او چه می‌کند» خواهیم پرداخت.

۱۴۰ و در ادامه [مبحث] شب بعدش این است: «چگونه باید آن را دریافت کرد.» سپس فراخوان خواهیم داد، توصیه‌های لازم در اینجا به افراد منتقل می‌شود و یکر است وارد اتاق‌ها می‌شوند و همانجا می‌مانند، اگر تمام کریسمس هم طول بکشد، درست این است که [باید ماند] تا روح‌القدس بیاید. از روی شالوده عقلانی و بهنجار کتاب مقدس به آن نزدیک خواهیم شد. به آن نزدیک خواهیم شد و درست همان‌طور که پروردگار وعده داده است و در ابتدا نازل شد آن را خواهیم یافت. اینجا هستیم تا این کار را طبق این روش انجام دهیم. من... فرقی نمی‌کند که این و آن چه می‌گویند، ما...

کلام خدا... در قلبم والاترین جایگاه را دارد. درست است. و خواهان چیزی هستم که خدا برای من در نظر گرفته است. خداوند اگر بیش از این چیزی هست، آسمان را بگشا زیرا قلبم برای پذیرش آن باز است. درست است.

۱۴۱ چند نفر خواهان آن هستند؟ حال دست‌های خود را بالا گرفته و بگویید: «برایم دعا کن.» اینک، همان‌طور بمانید و دست‌هایتان را بالا نگه دارید.

ای پدر آسمانی مدت زمان زیادی را تعلیم دادیم. ولی روح در اینجا حضور دارد. اینک دست‌هایی بالا هستند. آنها ماهیت آن را دریافته‌اند، آنها می‌دانند که روح‌القدس چه مفهومی دارد. پروردگارا، دعا می‌کنم تا پیش از ختم این جلسه همه‌ی دست‌هایی که اینجا هستند در تأیید این امر که آن را یافته و دریافت نموده‌اند بالا بروند. خداوند عطا فرما.

۱۴۲ برای آنها دعا می‌کنیم. از تو می‌خواهیم تا به آنها برکت دهی و مراد دلشان را به آنها عطا فرمایی. خدایا به دست‌هایشان بنگر. آنها تو را دوست دارند. آنها طالب آن [روح‌القدس] هستند. می‌دانند که نمی‌توانند بروند بی آنکه... خداوند فردا شب اگر امداد فرمایی می‌توانیم از طریق نگاشته‌ی مقدس ثابت کنیم که بدون داشتن آن [روح‌القدس] هرگز ربوده نخواهند شد. ای پدر بنا بر این دعا می‌کنم که آنها را گرسنه و تشنه سازی تا بتوانند سیر شوند. ای پدر اینک آنها را تقدیمت می‌کنم. و این برکات را عطا فرما زیرا در نام عیسی می‌طلبیم. آمین.

دوستش می‌دارم، دوستش می‌دارم،

زیرا اوست که ابتدا دوستم داشته،

و بهای نجاتم را پرداخته

بر درختی در جلجتا.

۱۴۳ پیش از آنکه سرود خواندن را دوباره از سر بگیریم می‌خواهم این مطلب را بگویم. قصد دارم جمعه شب، پیش از آغاز جلسه با شماری از خادمان اینجا در اتاق ملاقات کنم، توجه کنید، جمعه شب. من...

متوجه می‌شوید سعی دارم چه کار کنم؟ نشان دادن اینکه آن چیست، چگونه و از چه راه باید به آن رسید و چه مسائلی را باید رعایت کنیم. به این ترتیب شما با چشم بسته وارد نمی‌شوید تا با کوباندن [عصا] به چیزی برسید. دلیل اینکه درخواست مربوط به آن را امشب ندادم همین است. می‌خواهم از ماهیت آن آگاه باشید. یک وعده است. یک مَهر است. تسلی‌دهنده است. هرآنچه بایسته است.

در ادامه فردا شب و شب بعدتر، سپس درست از همانجا، از همان موقع آغاز خواهیم کرد تا وقتی [روح‌القدس] بیاید. به اینکه چقدر به طول می‌انجامد اهمیت ندهید تا آن موقع خواهیم ماند. قلب خود را طاهر سازید. او هرگز آن را بر یک قلب ناپاک نخواهد ریخت. خود را با حق و راستی هماهنگ کنید، آماده باشید و او [خدا] آن را عطا خواهد فرمود.

دوستش می‌دارم، دوستش می‌دارم (اینک بیایید دست‌هایمان را برافرازیم)

زیرا ابتدا اوست که دوستم داشته است  
و بهای نجاتم را پرداخته  
بر درختی در جلجتا.

همین حالا شبان گفت که فردا شب جلسه را به جای ساعت هفت و نیم، ساعت هفت شروع خواهیم کرد و ما هم موافقیم. و این امر به من اجازه خواهد تا شما را به جای ساعت نه و نیم، ساعت هشت و نیم مرخص کنم. رأس ساعت هفت و... بخش سرود و موسیقی رأس ساعت هفت فردا شب شروع به کار خواهد کرد. رأس ساعت هفت و نیم پیغامم را آغاز خواهم بود.

دوستش می‌دارم،

بیایید دستمال‌های خود را برداشته و به سوی او بجنبانیم.

دوستش می‌دارم

اکنون تنها این روند و عادت معمول مبتنی بر ظواهر را در هم بشکنید!

زیرا ابتدا اوست که دوستم داشته است  
و بهای نجاتم را پرداخته  
بر درختی در جلجتا.

بسیار خوب، شبان شما، برادر نویل.



روح القدس چیست؟ FRS59-1216

(What Is The Holy Ghost)

در باب روح القدس

برادر ویلیام ماریون برانهام این پیغام را به زبان انگلیسی در عصر چهارشنبه ۱۶ دسامبر ۱۹۵۹ در خیمه برانهام در جفرسون ویل ایالت ایندیانا آمریکا ایراد کردند. این پیغام بر روی یک نوار مغناطیسی ضبط شد و به شکل کامل به زبان انگلیسی به چاپ رسید. برگردان فارسی این اثر با کوشش انتشارات Voice Of God Recordings چاپ و بخش می‌گردد.

FARSI

©2020 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

VOICE OF GOD RECORDINGS

P.O. Box 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.

[www.branham.org](http://www.branham.org)